

Organization

Pars

Overthrow
Committee

تیرماه ۳۷۴۷ جمشیدی
ژوئیه ۲۰۰۹



گاهنامه

1€

سازمان

پارسی

شورای براندازی

شماره ۸۳
سال یازدهم





حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرفراز دست خواهیم یافت.

جنبش سپید براندازی

« یگانه دستاویز برای نابودی حکومت اسلامی در ایران »

مصاحبه رضا فهمیده با دکتر آرمان نوری در مورد انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و پیامدهای آن



- درود بر شما دکتر آرمان نوری رهبر جنبش سپید براندازی

* درود بر شما آقای فهمیده و درود بر ملت غیور ایرانزمین

- آقای دکتر آرمان نوری نظر شما در مورد انتخابات

ریاست جمهوری دوره دهم چیست؟

* البته ما بارها در مورد انتخابات در ایران و یا بهتر

بگوییم **انتصابات حکومتی** اشاره کرده ایم و همانگونه که اطلاع

دارید حدود ۱۲ سال است که سازمان پارس و شورای براندازی

انتخابات (انتصابات) را در این حکومت جبر و زور و ضد ایرانی

تحریم کرده است و این بار نیز چنین بوده است.

- نظر شما در مورد **تقلب** و **تخلف** شمارش آرای انتخاباتی

چیست؟

فهرست

- ۱ جنبش سپید براندازی یگانه دستاویز برای نابودی حکومت اسلامی در ایران
- ۴ سرنگون طلبان پیروز می شوند با رنگ سبز
- ۶ اتحاد، اتحاد، مبارزه تنها راه رهایی است
- ۷ لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم
- ۱۲ اتحاد زنان آزادیخواه
- ۱۳ میهنم را پس بده!
- ۱۶ چرا باید تظاهرات را به بازار کشانید؟
- ۱۷ خبرها

برون سراز این بارنگ آوریم

بیاتابوئیم و جنگ آوریم

آنان که بر ایران سایه افکنده است، بسته اندا در اینجا باید اشاره شود که **اکثریت خاموش** و **آگاه** هنوز به میدان نیامده اند، این عده که اکثریت ملت ایران را تشکیل می دهند خود را برای **براندازی** آماده می سازند. این اکثریت که هنوز پای به میدان نگذاشته است می داند که چگونه جراید و رادیو تلویزیون های بیگانه و اپوزیسیون ستون پنجم مثل **پهلوی چی های خائن** و **مجاهدین خلق مزدور** و عده ای از به اصطلاح ملیون با پیروی از سیاست استعمارگران جهانی برای تحکیم و استمرار این حکومت دزد و جنایتکار آب به آسیاب دشمنان ایرانزمین ریخته اند.

ما بارها اشاره نموده ایم که حکومت اسلامی از لحاظ کمیت **منسجم** و واحد و از لحاظ کیفیت **دزد** و **جانی** و ضد ایران و ایرانی می باشد و این سؤال برای من همواره پیش آمده است که چرا آن عده ای که خود را ایرانی می نامند و به زبان پارسی سخن می گویند در پی منافع واقعی این مرز پرگهر نمی باشند و دانسته یا نادانسته از دشمنان داخلی و خارجی ایرانزمین حمایت می کنند و **استمرار این حکومت** را خواهانند. ملت ایران بدانند که استعمارگرانی چون آمریکا، انگلیس، اروپا و اسرائیل دوست مردم ایران نیستند آنها بیگانگانی هستند که در پی منافع خویش می باشند. همچنانکه در ۳۰ سال پیش آنان با ترفندهای گوناگون این حکومت جهل و فساد را بر ما چیره ساختند و برای به یغما بردن **ثروت** و **سرمایه ایران** به مدت ۳۰ سال مستقیم و غیرمستقیم از آنان حمایت کرده اند. این **استعمارگران جهانی** در طی این مدت همواره جنبش آزادیخواهانه و برانداز را به بیراهه کشانده و خنثی نموده اند.

- **آقای دکتر نظر شما را در مورد جنبش سبز نشنیدیم،**

لطفاً در این مورد با ما سخن بگویید.

* حق با شماست البته گفتنی ها زیاد است، در مورد **میرحسین موسوی** گفتیم که او معتقد به **ولایت فقیه** و قانون اساسی اسلامی می باشد و او بارها اعتراف کرده است که رنگ **سبز** انتخابی وی در جنبش **نمایانگر اسلام شیعه** و حکومت اسلامی می باشد. حال از آن عده که از او و جنبش سبز عدالتخواهی او حمایت می کنند می پرسیم آیا شما می دانید چه می خواهید و در پی چه هستید و یا اصولاً آیا شما ایرانی هستید؟ آیا شما در پی **آزادی** و **سرافرازی** ایران می باشید؟ آیا شما به **فرهنگ** و **تاریخ ایران** علاقمندید؟ در حقیقت شما به دنبال چه هستید؟ البته باید بگویم که برای نابود کردن پتانسیل **براندازی** مردم ایران هر از چندگاهی حکومت و استعمارگران جهانی جنبشی در ایران بوجود می آورند و سپس میهن پرستان

* آقای عزیز، هیچ تقلب و تخلفی انجام نشده چرا که از

ابتدا در حکومت اسلامی انتخاباتی وجود نداشته و تمام عوامل اجرایی و افراد به اصطلاح منتخب در مجلس همگی **انتصابی** بوده اند و همانگونه که بارها دیده شد اینان از نمایش انتخاباتی برای **اثبات حقانیت** خود در مقابل افکار عمومی در داخل و خارج بهره برده اند چنانکه می دانیم به نمایش گذاردن **دو گانه بودن** حکومت اسلامی از ابتدا برای به بیراهه کشاندن حرکت های آزادیخواهانه و **برانداز** صورت گرفته است همانگونه که مشاهده شد در زمان خمینی دوگانگی حکومتی مابین **رفسنجانی** و **خمینی** بود یکی **میانه رو** و دیگری **تندرو** بود و سپس در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی، **خاتمی** نقش اصلاح طلب و میانه رو و رفسنجانی نقش اصولگرا و تندرو را ایفا نمودند. در حال حاضر نیز رفسنجانی نقش اصلاح طلب همراه با **موسوی** و **کروبی** و دیگر **احشام مذهبی** را ایفا می کنند و خامنه ای نیز همراه با **احمدی نژاد** نقش اصولگرایان و تندرو را بازی می کنند. این چنین است که با حمایت بلندگوهای استعماری جهانی توانسته اند این حکومت **دزد** و **قاتل** و **جنایتکار** را به مدت ۳۰ سال بر **مردم ناآگاه** ایران تحمیل نمایند و ثروت و سرمایه ایران را به یغما برده و غرور ایرانی را پایمال کنند. همانطور که تجربه کردیم با کمال تأسف مردم ناآگاه هم همواره در این تله گرفتار شدند و در نمایش **درگیری دو جناح** نیروی براندازی مردمی نابود گشته است. البته باید اشاره شود که تبلیغات بلندگوهای استعماری و جراید آنها از جمله آمریکا، انگلیس، اروپا و اسرائیل نقش اصلی را در گمراهی مردم با کمک **اپوزیسیون ستون پنجم** تأثیر فراوانی در این گمراهی مردم داشته است.

- **آقای دکتر اگر این چنین است که دوگانگی و**

دوجناحی در میان حکومت اسلامی وجود ندارد چرا میرحسین

موسوی برای احیای حق خود، جنبش سبز را بوجود آورد؟

* آقای فهمیده انگار ذهنیت تاریخی مردم ایران البته

آندسته از کسانی که از موسوی و اصلاح طلبان حمایت می کنند بسیار کور است و یا اینکه خودشان را به حماقت می زنند. این آقای **موسوی** یکی از **نوکران خانه زاد خمینی** دجال و جانی بوده است و به مدت ۸ سال از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ که نخست وزیر بوده است هزاران هزار دانشجوی آزادیخواه، **اعدام** شده اند. وی یکی از بنیانگذاران قوانین سخت اسلامی در جامعه می باشد چگونه مردم و عده ای از جوانان که او را سمبل احیای حق و آزادی کرده اند چشم خود را به عملکردهای او و اصولاً **عملکردهای ضد ایرانی** حکومت اسلامی و نکبت قانون اساسی

استعمارگران و مزدوران داخلی از ناآگاهی مردم استفاده کرده و آنان را به گمراهی کشیده و ناامید سازند. سازمان پارس و شورای براندازی با همیاری هسته های براندازی و کادر مسلح خود در ایران برنامه وسیعی در مسیر براندازی دستاربندان و شیاطین مذهبی تدارک دیده است. خوشبختانه در دستگیری های اخیر در ایران هیچگونه آسیبی به این هسته ها و عوامل براندازی نرسیده است و میهن پرستان پتانسیل رزمی خود را نگاه داشته اند و عملیات جنگ و گریز را به نحو شایسته انجام داده و می دهند.

زمانی که آحاد ملت ایران از جنبش سپید براندازی حمایت کنند بدانند که ما نیروی فکری، جسمی و لجیستگی لازم را برای براندازی و نابودی حکومت دمنش و ضد ایرانی اسلامی دارا می باشیم. در این بین تنها حمایت مردم ایران است که نیروی ما را برای براندازی تکمیل می نماید و آن زمان است که می توانیم دشمنان ایرانزمین را نابود کنیم و این حکومت جهل و فساد، خرافات و ننگین اسلامی را به زباله دان تاریخ روانه سازیم.

- آقای دکتر آرمان نوری چگونه شد که جنبش خود را

جنبش سپید براندازی نام نهادید؟

* زمانی که جنبش براندازی خلق شد و سازمان پارس و شورای براندازی پا به عرصه مبارزه برای نابودی شیاطین مذهبی در ایران گذارد، شرایطی بود که همه به اصطلاح اپوزیسیون داخل و خارج از کشور حمایت خود را از خاتمی اعلام کرده بودند و میدان مبارزه علیه حکومت جبار اسلامی خالی مانده بود. ناگزیر من با چندی از میهن پرستان این فضای یأس و ناامیدی را ویران ساختم و سازمان پارس و شورای براندازی را آفریدیم و چندی بعد تصمیم گرفتیم که در راهپیمایی ها و تجمعات، اعضا و هواداران سازمان، متحد الشکل لباس بر تن داشته باشند و ما رنگ سپید را برگزیدیم، چرا که رنگ سپید در فرهنگ ایرانی نماد آناهیتا الهه آبهاست و نیز سمبل پاکی، نیکی، آزادی و



و فعالین واقعی جامعه را شناسایی نموده و آنان را خنثی می نمایند. این عمل را در دهه ۶۰ و ۱۸ تیر ۱۳۷۸ ملاحظه نمودیم و اکنون نیز با ترنند جنبش سبز مذهبی عدالتخواهی موسوی قاتل و جانی، مردم ناآگاه را به خیابان ها ریخته تا فعالین اصلی را که در مسیر براندازی می باشند شناسایی کرده و آنان را خنثی نمایند، این عمل سوپاپ اطمینان برای ادامه حیات پلید این دستاربندان می باشد.

- آقای دکتر آرمان نوری در کنار اصلاح طلبان دیدیم

سلطنت طلب ها و مجاهدین خلق نیز از جنبش سبز حمایت کردند هرچند که در تظاهرات سعی شده بود از شعارهای مرگ بر حکومت اسلامی و مرگ بر ولایت فقیه جلوگیری شود، نظر شما چیست؟

* آقای فهمیده جواب سؤال شما پیشتر بیان شد؛ این عده مأمور و معذورند، آنها در تحکیم و استمرار حکومت اسلامی از استعمارگران جهانی پیروی می کنند برای مثال ما قبل از ۲۲ خرداد گفتیم مردم ساعت ۱۰ شب بالای پشت بام ها رفته و شعار آزادی، آزادی، مرگ بر حکومت اسلامی را فریاد زدند، در صورتی که تلویزیون آمریکا و بی بی سی و برنامه گذاران پدرسوخته آنها از جمله نوری زاده، سازگارا، بهنود و مزدورانی چون شیرین عبادی ها همگی اعلام نمودند که می بایست شعار الله اکبر را بگویند و هیچ کدام از آنها به هیچ عنوان از براندازی و رهایی واقعی ملت ایران سخنی به میان نیاوردند. آقای رضا پهلوی هم که از ابتدا مردم را به رأی دادن تشویق می نمود و سپس دیدیم که در اجتماعی از اصلاح طلب ها و جنبش سبز حمایت کرد و طرفدارانش نیز از پوشاک رنگ سبز در راهپیمایی استفاده نمودند؛ در حال این آقا آشکارا به صورت نماینده رفسنجانی در آمریکا فعال است. مجاهدین هم در یک گردهمایی که با مخارج هنگفت صورت گرفت و از تظاهرکنندگان غیر ایرانی استفاده نمودند، رنگ زرد کروی را در حمایت از او سمبل تظاهرات آن روزشان قرار دادند. آنها با این عمل خود برای صدمین بار مزدوری خود را به استعمارگران جهانی در تحکیم و استمرار حکومت اسلامی ثابت نمودند.

- آقای دکتر آرمان نوری حال چه باید کرد؟

* البته در این بین سازمان پارس و شورای براندازی نیز غافل نبوده است و از شرایط استفاده نموده است و هسته های براندازی ضربات مهلکی بر پیکر پلید حکومت اسلامی وارده ساخته و باعث شد که هسته های دیگر نیز برای تقویت نیروی براندازی در ایران تشکیل گردد. بدانید ما اجازه نخواهیم داد که

سرنگون طلبان پیروز می شوند

بارنگ سپید



جهان لرزه ای که دنیا را لرزاند **ندای خاموش شده** « ندا » بود که جهان را بیدار کرد، خورش به زمین ریخت تا **لاله آزادی** بروید، نگاه معصومانه اش به دورادور بود که شاید این بار به آرزوی خود یعنی **آزادی** رسیده باشد، به آسمان لایتناهی آخرین نگاه را می کرد و ندا می داد :

« پروردگارا در این لحظه که دعوتم را پذیرفته که بسویت پرواز کنم، با خونم که بدست **دژخیمان** به زمین ایرانم ریخت **جان باخته راه آزادی** شدم ... پروردگارا این قربانی را در راه آزادی ملت ایران قبول فرما، مردم ایرانزمین را یاری فرما تا ایران را نجات دهند. »

ندایش اجابت می شود زیرا برای آرامش روحش جوانان فریاد می زنند « **ندا** » آسوده بخواب که راحت را تا **پیروزی** ادامه می دهیم.

هنوز شمردن **آرای تقلبی انتخابات** به پایان نرسیده بود که **سرکرده قوم الظالمین** بزرگ تقلب داران با تقلبی بزرگ تر از سی سال تقلب نتیجه آرا را اعلام نمود و ثابت کرد که شمردن آرا با سرنیزه زودتر از کامپیوتر انجام می شود.

در تاریخ جهان دیده شده دیکتاتورها و حکومت های خودکامه غافل از آنند که بین ملت چه می گذرد. وقتی سفیر انگلستان به پیشگاه مبارک تزار در ۱۳ ژانویه ۱۹۱۷ در مسکو شرفیاب شد و بعرض رساند که اعلیحضرت باید بخواست ملت توجه فرمایند تزار خودکامه گفت : « آقای سفیر به من می گویند که به **خواست توده مردم** احترام بگذارم؟ ... در حالیکه این ملت است که باید به منویات و خواست من که به آنان خدمت کرده ام احترام بگذارد ... » و در ۹ فوریه وزیر کشور غافل همانند **امپراطور خودکامه** اعلام می دارد اگر قرار است انقلابی در روسیه صورت گیرد برای پنجاه سال دیگر خواهد بود.

ولایت مطلقه فقیه که او هم خود را امپراطور مادام العمر می شمرد به خاطرش خطور نمی کرد که دسترسی جوانان کشور به دشمن واقعی **آخوندیسم اسلامی** یعنی اینترنت، مردم عالم را از ظلم و ستم حکومت مذهبی اسلامی در یک شبانه روز آگاه

راستی می باشد و همچنین بیانگر مهر و دوستی، صلح و همبستگی می باشد و ما باور داریم که **آرمان ملی و ایرانی** در نهاد **سپیدی** نهفته است.



- از نظر شما در شرایط کنونی مردم ایران چگونه عمل

کنند؟

* مردم ایران می بایست آگاه و بیدار شوند و دست از حمایت این **بازی های اصلاح طلبی** برداشته و **رنگ سبز اسلامی** را که جنبش تثبیت حکومت جبار ضد ایرانی اسلامی می باشد، رها نموده و سنبل خود را به **رنگ سپید براندازی** تبدیل نمایند.

فرزندان ایرانزمین می بایست در مسیر نابودی احشام مذهبی در ایران از جنبش سپید براندازی حمایت کنند تا با نابودی حکومت اسلامی، ایرانی آزاد، آباد، سرافراز و دمکراتیک را به راستی فراچنگ آوریم.

فرزندان ایرانزمین بدانید که **ایران اهورایی** چپ و راست نمی شناسد و می بایست با **مهر و دوستی** شکاف های ایدئولوژیک، مذهبی و قومی را از میان برداشت و با عشق به ایران و ایرانی با **همبستگی ملی و صلابت** تمام دشمنان ایرانزمین را نابود ساخت. ما بارها گفته ایم که **اپوزیسیون واقعی ایرانی** یک اندیشه و یک جنبش برای نابودی حکومت اسلامی می باشد که **بر پایه خرد استوار** است، ساختار حرکتی آن ایرانپرستی و خشم و نفرت از **حکومت ددمنش اسلامی** می باشد و هدف آن براندازی و استقرار دمکراسی، مردمگرایی، ایجاد رفاه اجتماعی و برابری است. در کل آرزوی ما نیل به ایرانی آزاد، آباد، سرافراز و دمکراتیک می باشد.

- با سپاس فراوان از شما دکتر آرمان نوری رهبر جنبش

سپید براندازی

پاینده ایران

لحظه ای که هر یک از آنان سرشان به لحد گور بخورد زمزمه می کنند: **مرگ بر اینترنت.**

از تاریخ درس نگرفتند که در قرون وسطی **کلیسا** و کشیش ها **حکومت مطلقه تنفر برانگیز** انکیزیسیون را به مردم **تحمیل** کردند و بالاخره کلیسا و پاپ بود که بی آبرو و بی حیثیت شد و حالا نوبت **قباپوشان اسلامی** و مساجد آنانست. فرزندان ایرانزمین برای اولین بار در تاریخ جهان با استفاده از تکنولوژی مدرن همدردی و توجه دنیا را در راه آرمان ملت به خود معطوف کردند.

آن روز که پرزیدنت انسانگرا **کندی** در برلن فریاد زد که او هم همشهری برلینی ها می باشد حق داشت و آرزوی بزرگی را تحقق بخشید و بچه های ایرانزمین با ابتکار خود همه مردم جهان را **هم میهن جهانی** کردند، یکباره همه مردم عالم ایرانی شدند و ایران جهانی شد.

از این به بعد قدرت مطلقه مردان سیاسی جهان و **دیکتاتوری های خودکامه** رو به پایان است در همه کشورها «ندا» وجود دارد که **کاخ پوشالی خودکامگان** را بلرزاند.

هزاران سال پیش فیلسوفان هوشمند یونانی شرکت همه مردم را در سیاست و اداره کشور لازم می دانستند، امروز با همت بچه ها و نواده های **خشاپارشاه** که با او آشنایی کامل دارند این آرزو تحقق یافت و هریک از فرزندان مردم در سراسر عالم هم میهن جهانی شدند، لذا تاریخ جهان را از نو باید نوشت و سرفصل تازه ای باید برای تاریخ انتخاب کرد «هم میهن شدن انسانها».

به مدت سی سال **اپوزیسیون ایرانی** کوچیدگان و خارج نشینان نتوانستند **همبستگی** کرده و خود را به جهان بقبولانند، تنها هر از چندگاهی با صدور اعلامیه و مصاحبه ای در رسانه ها خودنمایی می کردند این بار جوانان داخل کشور ندای «ندا» را به گوش جهانیان رساندند راه را آنان نشان دادند و کوچیدگان نمی توانند برای آنان در داخل کشور **راه کار و تکلیف** تعیین کنند تنها کاری که باید انجام دهیم اینست که به پشتیبانی مردم داخل کشور در **همبستگی و هم ندایی** با آنان تلاش کنیم.

رژیم ولایت مطلقه برای **سوپاپ نجات** خود یکی از خودیها را جلو انداخت کسی که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ در تاریک ترین و **ضد انسانی ترین ایام جنایات** رژیم نخست وزیر بود و اعلام نمود که مدافع قانون اساسی رژیم و از پایه گذاران آن بوده و به **حکومت مطلقه اسلامی** ولایت فقیه ایمان کامل دارد و رنگ سبز اسلامی را به عنوان وابستگی اش به اسلامیون انتخاب می نماید، مردم هم چشم بسته رنگ سبز **نیرنگ باز** حکومت

نموده و با **جنیش غافلگیرانه** خود ستون فقرات رژیم ولایت فقیه اسلامی را بشکنند.

یک شبه ندای مظلومانه «ندا» به گوش عالمیان رسیده و در برابر **هیجان مردم** جهان دولتهایی که سی سال خفته بودند بیدار شدند. سران کشورها در این سی سال که صدها و هزارها «ندا» جانفشانی کرده بودند ندای این جان باختگان و **به خون خفتگان راه آزادی** را نمی خواستند بشنوند اما جرعه ای زده شد خون «ندا» عالمگیر شد: برقرار باد اینترنت.

درها را بستند ورود خبرنگاران رسانه های خارجی را منع کردند ولی هر یک از جوانان تظاهرکننده خود خبرنگاری شد که **صحنه های دلخراش** ظلم و ستم دژخیمان را بلافاصله به جهان می فرستاد.

اگر خبرنگاران خارجی هم بودند شاید آن لحظه که «ندا» در خود غلطید و خون سر و صورتش را پوشاند نمی دیدند ولی جوانان در کنار او دیدند و به دنیا فرستادند و این فرزندان ایرانزمین خود همگی «ندا» شدند.

این پیش آمد یکی از نادرترین اتفاقات تاریخی است که گاه به گاه در مسیر مردم پیدا می شود و **سرنوشت ملت** را دگرگون می کند.

رژیم ولایت مطلقه فقیه انکیزیسیونی قرون وسطی دنیا را به مسخره گرفته و ادای دمکراسی با برپا کردن انتخابات در می آورد که جهان را **فریب** دهد، این بار پا فراتر گذاشت و همانند غرب **شوهای مناظره تلویزیونی** کاندیداها را برقرار نمود که همگی از سانسور غربال قانون اساسی رژیم گذشته سرسپرده و از خودی ها بودند. رژیم قافیه را باخت، مردمی که در پی فرصت بودند با کیاست و هوشمندانه بهره برده و ندای خود را بلند کردند ... و کردند آنچه می خواستند بکنند ... **عدم رضایت عمومی** را از کل رژیم ولایت فقیه در پوشش انتقادکنندگان ابراز داشتند.

ندای مبارزی که خونش به زمین ریخت به **جان باختگان** پیوست تا سرفصل تازه ای در تاریخ ایرانزمین ایجاد نماید.

اگر با ریختن خون «ندا» جهانیان بیدار شدند **گردانندگان رژیم** ولایت مطلقه فقیه را هم بیدار کرد متوجه شدند که سی سال فریاد مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل به جایی نرسید و سوراخ دعا را گم کرده بودند، حالا **دشمن واقعی** خود را پیدا کردند ولی آب از سرشان گذشته و ستون فقرات ولایت مطلقه فقیه شکاف برداشت. هرکدام از مسئولان و دست اندرکاران سی ساله رژیم چه به اصطلاح غلط **اصلاح طلب** یا بطور کلی **اصولگرا** به جان هم افتاده و تصفیه حساب خواهند کرد و تا

رژیم تنفرانگیز ولایت مطلقه فقیه اسلامی هدمند باشد، نه اینکه از نخست وزیری که در همه **جنبشهای رژیم ضدانسانی** شریک بوده بخواهند چهره دمکرات و آزادیخواه در راه هدف های خود به او داده و بار دیگر فریب بزرگی در راه **ملت ستمدیده ایران** قرار دهند ... به آنان می گوئیم: «مرحمت فرموده ما را ول کنید»
سرهنگ دکتر عقیلی پور
پاریس - ژوئیه ۲۰۰۹

اتحاد، اتحاد، مبارزه، مبارزه تنها راه رهایی ما است!

djaber_ka@yahoo.ca



جابر کلبی - پروانه قاسمی

بحرانی سراسری رژیم و جامعه ایران را در بر گرفته و توده های زحمت کش و **مردم آزادی خواه** ایران بار دیگر وارد نبرد تاریخ ساز با **رژیم اسلامی** شده اند. این بار بهانه اعتراض ها و تظاهرات وسیع مردم، **تقلب در انتخابات** است. با اینهمه از

آن فراتر رفته، به تدریج روند تبدیل شدن به **جنبشی اجتماعی** علیه تمامیت رژیم را طی می کند. این تظاهرات که بیان خشم فرو خورده توده های مردم طی ۳۰ سال **ترور، خفقان، سرکوب** و سیاست های ضد مردمی رژیم اسلامی است، یاد آور روزهای قیام **توده های مردم** در سال ۵۷ می باشد؛ با این تفاوت اساسی که اگر در آن سالها توانستند جنبش ضد **امپریالیستی** و دموکراتیک توده های مردم را به کمک امپریالیست ها و بورژوازی حاکم به سوی روحانیت و اسلام منحرف سازند، این بار با استفاده از تظادهای درون رژیم، **جنبشی دموکراتیک** و آزادی طلب به صحنه سیاسی ایران وارد شده است که در **حافظه تاریخی** جامعه ریشه های تنومند خود را دارد.

کارگران، معلمان، دانشجویان، کارمندان و کارکنان بخش های تولید و خدمات!

جامعه بار دیگر در **بحرانی سراسری** فرو رفته و شرایط بسود رشد و توسعه **جنبش های اجتماعی** بیش از هر زمان دیگر فراهم شده است.

شما که **نبض تولید** و توزیع جامعه را در دست دارید، جنبشی که آغاز شده بیش از هر چیز منافع شما را در بر دارد، آن را در مقابل **توطئه های سرکوبگرانه** رژیم تنها نگذارید! شرکت

اسلامی که با حيله برگزیده بود آرم خود نمودند که به دنبال او رژیم را **اصلاح** کنند در حالیکه این رژیم اصلاح پذیر نیست **سرنگونی و براندازی** آن آرزوی ملت و تاریخ ایران است.

مردم نه او و نه دیگری را که از خودی های حکومت اسلامی باشد قبول ندارند و امروز ملت **سرنگون طلب** می باشد لذا بهتر است برای پاسخ به **حيله و تزویر رنگ سبزی ها رنگ سفید** را انتخاب کرده و در تظاهرات از آن استفاده شود.

در خارج از کشور در موج تظاهرات پایتخت خوش نشینان **لوس آنجلس** و یا تظاهرکنندگان در **پاریس** که از میدان باستیل جایی که سمبل سرنگونی لویی شانزدهم خودکامه و شروع انقلاب بود تا میدان بزرگ ملت و در سایر نقاط جهان جمعیت موج می زد و نشان دادند که هیچ ایدئولوژی و نوع خاصی از رژیم محلی از اعراب ندارد و سمبل همگی ندای عالم گیر «ندا» بود و تلاش برای **ایدئولوژی خاصی** در خارج از کشور منطقی را بر نمی تابد.

شاید بتوان بررسی نمود که **جهان امپریالیسم** از رئیس جمهور حکومت مذهبی بخاطر بیانات ناموزونش بجان آمده بود و چون هنوز **تاریخ مصرف رژیم مذهبی** برای آنان فرا نرسیده بهتر در این دیدند که یکی از خودیها قد علم کند و رژیم چند سالی باز ادامه حیات برابر خواست آنان داده و بهره ور شوند. لذا دیدیم یکباره پوشش همه رسانه های گروهی جهان گفتاری، نوشتاری، دیداری یکجا بسیج شده بودند که تظاهرات و **جوشش مردم** را دنبال یکی از خودی های رژیم عنوان کنند که کردند. در همه تلویزیون های جهان با **حسابگری** و **هم آهنگی** دقیق رنگ سبز به چشم می خورد و یکباره حتی سران کشورهای بزرگ با بیان نام «ندا» با گویش های گوناگون همدردی نمودند! ... آیا نباید پرسیم چرا و چه می خواهند؟ ... در این سی ساله کجا بودند؟ ...

دیدیم روزی که **مایکل جکسون** ناگهانی به دیار فانی شتافت رسانه های جهانی بالاجبار همه و همه به این حادثه پرداختند و رنگ سبز و لحظه به لحظه نشان دادن تظاهرات ایران از تقدم خارج و رنگ باخت و بلافاصله جنبش های چند هزار نفری داخل هم فروکش کرد:

«اگر آگاهی و **دانش شناسایی** از پشت پرده سیاسی جهان را داشتیم «کجا این سرانجام بد داشتیم.»

به هوش باشیم که مبارزه با **رژیم مذهبی** ولایت فقیه را در راستای **خواستهای پنهانی** دشمنان خارجی ایران قرار ندهیم. این پشتیبانی جهان را ارج داده و با دل می پذیریم در صورتی که در راه **خواسته ملت ایران** یعنی سرنگونی و براندازی

لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم در معرض خشم
آنان که خواهان سرنگونی کلیت این رژیم می‌باشند!

نادر ثانی



روز جمعه ۵ تیر ماه حدود ساعت یک‌ونیم بعد از ظهر خانه را به قصد پیوستن به رفقای که قرار بود در مقابل **لانه جاسوسی** این رژیم گرد آیند، ترک کردم. این حرکت در اعتراض به آنچه این رژیم **ضد خلقی** وابسته به **امپریالیسم** در خلال بیش از ۳۰ سال عمر ننگین خود به سر توده‌های تحت‌ستم ما آورده و می‌آورد سازمان یافته بود. فراخوان این **حرکت اعتراضی** نخستین بار در ۲۲ ماه مه از جانب « کمیته برای آزادی کارگران دستگیر شده اول ماه مه در ایران - استکهلم » منتشر شده بود. قرار بود که در راستای فراخوانی از سوی ۴ اتحادیه جهانی کارگری در مقابل لانه جاسوسی جمع شده و ضمن دفاع از حق و حقوق پایمال شده کارگران ایران، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط **کارگران** و فعالین کارگری از جمله دستگیرشدگان اول ماه امسال گردیم. پس از رویدادهای اخیر و آنچه که رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش در رخدادهای پس از خیمه‌شب‌بازی **انتصابات بر سر توده‌های مبارز** ما آورده‌اند این فراخوان نیز مطابق با شرایط جاری تغییر یافته و این بار با افزودن جمله‌ای در ارتباط با آنچه در این اواخر روی داده است از جانب « ستاد همبستگی با مبارزات مردم در ایران - استکهلم » دعوت به تجمع شده بود. در این فراخوان از جمله آمده بود: « در این تظاهرات ضمن حمایت از خواسته‌های بر حق **کارگران** در دفاع از حق و حقوق خود در مقابل رژیم، خواستار آزادی بدون قید و شرط دستگیرشدگان اول ماه مه و کلیه زندانیان سیاسی شده و همراه با **مبارزات مردم** ایران فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و دفاع از آزادی مردم ایران را سر خواهیم داد. « لازم به تذکر است که هر دو جریان «کمیته برای آزادی کارگران ... » و « ستاد همبستگی... » کمیته‌هایی

فعال شما، بویژه از طریق **اعتصاب**، کارشکنی در برنامه های ضد مردمی رژیم و همه ابتکارهایی که می توانید در **همبستگی** با جنبش بکار گیرید، پایداری و **سلامت سیاسی** جنبش را تضمین می کند. تاریخ بار دیگر وظیفه تحقق آزادی و برابری را به دوش توانای شما گذاشته است. اعتصاب عمومی در مراکز تولید و خدمات و سازماندهی مبارزه انقلابی در شهرها و روستاها علیه رژیم اسلامی تنها راه **جلوگیری از سرکوب مردم** و رسیدن به **آزادی** است.

نیروهای انقلابی! شرایط کنونی را می شود به سود تکوین یک **جریان انقلابی** که جامعه را بسوی دگرگونی بنیادی رهنمون شود، تکامل داد. می توان بر بستر چنین شرایطی عناصر سیاسی و **ابزار سازمانی انقلاب** را سامان داد و با تجربه هایی که تاکنون بدست آمده، **راه انقلاب** را هموار ساخت. اینک رسالت تاریخ بر دوش نیروهای اصلی جامعه، بویژه کارگران و کارکنان بخش های مختلف اقتصاد، خدمات، هنر و فرهنگ، علم و دانش قرار گرفته و همین نیروهای اجتماعی هستند که می توانند با سازماندهی در شوراهای محل کار و زندگی خود، در مقابل **قدرت ارتجاعی** حاکم، نظامی مترقی، انسانی و دموکراتیک را قرار دهند.

نابود با جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی!

یا سوسیالیسم یا بربریت!

رهایی

در لحظه لحظه ی این زمان
در زمانی که هر صدایی را خفه می کنند
در زمانی که تنها گلوله پاسخ ماست
و تنها خون سرخ ما پاسخی بر جنایتکاران
ما را چه باکست
در مقابل ما تا بن دندان مسلح ایستاده اند
و اما ما میلیونها انسان در مقابل سرکوبگران
لرزه به اندام آنها انداخته ایم
همبستگی مان مشتیی بزرگ بر دهان سرکوبگران
و اینک مشتیمان اسلحه ای میشود تا از ریشه این رژیم ضد
انسانی را برکنیم
کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان ایران
اتحاد اتحاد! مبارزه مبارزه!
تنها راه رهایی ماست!

پروانه قاسمی ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

نزدیکی **لانه جاسوسی** رسیدیم. ساعت ۳ بعد از ظهر شده بود. حدود ۱۰۰ نفر پیش از ما خود را به آنجا رسانده بودند. دو ماشین پلیس در آنجا بود و **معترضین** را در حدود ۱۰ متری در « کنسولگری » (۲۵ متری در ماشین‌رویی که به حیاط لانه جاسوسی ختم می‌شود) متوقف کرده بودند. آشناهای بسیاری را در آنجا دیدم و هر لحظه به تعداد ما اضافه می‌شد. زن و مرد، سالخورده، میانسال و نوجوان همه در کنار هم **شعارهایی رادیکال علیه تمامیت جمهوری اسلامی** سر داده و علیه جنایاتی که این رژیم ضد خلقی در خلال بیش از ۳۰ سال مرتکب شده است اعتراض می‌کردند.



ما در **مضحکه انتصابات** شرکت نکرده بودیم و از اینرو به آنجا نرفته بودیم که « رأی خود را پس بگیریم »، در آنجا بودیم تا گام کوچکی در راه **توده‌های تحت‌ستم** برداریم؛ تا بتوانیم میهنمان را که به تاراج برده‌اند پس بگیریم. جالب اینجا بود که چند سوئدی هم در کنار ما بودند تا به ما در راهی که برگزیده بودیم یاری رسانند. در میان **معترضین** چند نفر خود را با عصا و صندلی چرخدار به محل تظاهرات رسانده بودند تا در کنار دیگران فریاد توده‌ها را سر دهند.



متشکل از **نیروهای چپ**، مبارز و آزادیخواه است که همسران و خانواده‌ها نیز در این شهر در شرایط ویژه به شکل موضعی و موقت برای پرداختن به موضوعی مشخص برای مدتی محدود به وجود آمده و در راستای **اهداف معین** فعالیت می‌کنند. ساعتی بعد به ایستگاه اتوبوسی رسیدیم که قرار بود به همراه چند تن از رفقا از آنجا سوار اتوبوسی به مقصد محوطه لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم شویم. حدود ۵۰ نفر در آنجا بودند. نیمی را به خوبی می‌شناختم که تمامی از **مبارزان** علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند و هستند. نیمی دیگر چهره‌هایی ناآشنا و یا نیمه‌آشنا بودند. با چند تن از رفقا مشغول گفتگو شدم. شنیدم که اتوبوسی چند دقیقه پیش با بخشی دیگر از **معترضین** آنجا را ترک کرده و اتوبوسی دیگر بزودی به راه خواهد افتاد. دقایقی چند در آنجا بودیم و در زمینه‌های گوناگون، بیشتر در مورد رویدادهای چند روز اخیر در ایران، گفتگو کردیم. اتوبوسی آمد. عده‌ای می‌خواستند که برای سرعت بخشیدن به کار از در عقب اتوبوس سوار شوند که با اعتراض راننده و تهدید او که « اگر این کار را بکنید حرکت نمی‌کنم و نخواهید توانست به **سفارت** رفته و نسبت به **کشتارها** در ایران اعتراض کنید » مواجه شدند و از اینرو همگی با سرعت کمتری از همان در جلو سوار شدیم. در مدتی که منتظر اتوبوس بودیم افراد دیگری نیز به آنجا آمده بودند و به این دلیل زمانی که اتوبوس پر شد، حدود نیمی از جمعیت در ایستگاه جا مانده بودند و حتی دست فردی پس از بسته شدن در اتوبوس، لای در مانده بود که با سروصدای او و این و آن در باز شد و او توانست دست خود را از آن میان بیرون کشد. اتوبوس در حالیکه خانمی به اعتراض خود نسبت به کار راننده ادامه می‌داد به راه افتاد. حدود یک ربع بعد به ایستگاه نزدیک **لانه جاسوسی** رسیدیم. چند نفر شروع در حال پیاده شدن بودند و با وجود اینکه راننده اعلام کرد که « اگر بنشینید شما را در جلوی سفارت پیاده خواهیم کرد »، همگی پیاده شده و فاصله باقیمانده را پیاده طی کردیم.



ساعتی به کنار در «کنسولگری» رسیده بودیم. چند تن نیز از خانه‌های نزدیک، خود را به آنجا رسانده بودند که ببینند چه خبر است. با آنها صحبت می‌کردیم. بسیاری به خوبی می‌دانستند که بر سر توده‌های ما چه آمده است، با نام و چهره «ندا» آشنا بودند و از ما حمایت می‌کردند. «انتظامات» به خوبی کار می‌کرد و حرکت اتومبیل‌ها و دوچرخه‌ها از کنار جمعیت را ممکن می‌ساخت. بسیاری از آنان که از کنار ما می‌گذشتند با کلام و یا با اشاره **حمایت** خود را از ما اعلام می‌کردند.



در کنار حصار سیمی و آهنی حیاط **لانه جاسوسی** بودیم. چند تایی از کارمندان لانه جاسوسی از ساختمان‌ها به حیاط آمده و در آنجا قدم زده و به اشکال گوناگون **تظاهرکنندگان** را مسخره کرده و به **تحریک جمعیت** مشغول بودند. چند نفری نیز از پشت بوته‌ها و درختان و از پشت پنجره‌های لانه جاسوسی سرگرم فیلمبرداری و عکس گرفتن بودند. پس از دقایقی یکی از کارمندان از آن سوی حصار به نزدیکی ما آمده، سوار یک ماشین نسبتاً بزرگ چمن‌زنی شده و مشغول به «کار»، ایجاد سروصدا و تحریک شد. چند شعار تازه در پاسخ به این تحریکات به کار گرفته شد:

- **مزدور برو گمشو!**

- **مزدور بیا بیرون، وگرنه ما می‌آیم تو!**



شعارها بسیار بودند. از جمله این شعارها را به یاد دارم:

- مرگ بر جمهوری اسلامی!

- این لانه جاسوسی بسته باید گردد!

- نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم!

- مرگ بر دیکتاتور!

- مرگ بر خامنه‌ای!

- مرگ بر رهبر وقیح!

- زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

- «ندا» ما ایم، ما فریاد «ندا» ایم!

- حکومت زور نمی‌خوایم، نمی‌خوایم!

- حکومت ضدزن نمی‌خوایم، نمی‌خوایم!

- حکومت سنگسار نمی‌خوایم، نمی‌خوایم!

- سیدعلی پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه!

- کل نظام نشانه‌اس!

بسیاری از این شعارها به نوبت به زبانهای **فارسی** و

سوئدی داده می‌شد.

فراخوان اعتراض از سوی **اپوزیسیون سرنگونی‌طلب**، از جانب نیروهای چپ و رادیکال داده شده بود و از این‌رو در ابتدا از دیگران خبری نبود اما پس از مدتی سر و کله برخی از آنها نیز پیدا شد و **پرچم‌های** آنها را می‌شد در اینجا و آنجا دید اما از **سبزپوشان** و طیفهای گوناگون «**توده‌ای و اکثریتی**» خبری نبود (شاید که برای شرکت در **نماز جمعه** خود را به مسجدی رسانده بودند؟!!!). ما فریاد توده‌های ستم‌کشیده بودیم و نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم در سکوت (!!!) از کنار مقرر نمایندگان رژیم گذر کنیم و مردم **خشمگین** را به سکوت دعوت کنیم.



مردم حاضر از دو سو در جنب لانه جاسوسی جمع شده بودند و از هر طرف به جانب دیگر فشار می‌آوردند. دیگر حضور چند خبرنگار نیز در میان جمعیت مشهود بود. پس از گذشتن

دست کم یکی از پلیسها هم برای آرام کردن اوضاع اسلحه خود را بیرون کشیده و به آنان که در حیاط لانه جاسوسی بودند اخطار کرد.



پس از چند دقیقه مأموران پلیس توانستند بر اوضاع مسلط شوند. معترضینی که خود را به حیاط رسانده بودند از آنجا بیرون آمده و در کنار دیگران قرار گرفتند. پس از گذشت چند دقیقه دیگر ماشینهای کمکی پلیس (شاید حدود ۷۰ پلیس با سگ) به محل رسیدند. خبر یورش و درگیری پخش شده بود و لحظه به لحظه به تعداد ایرانیان حاضر، افراد کنجکاو و خبرنگاران اضافه می شد. جالب اینجا بود که برخی از افرادی که برای پاسخ به پرسشهای خبرنگاران به سوی آنها شتافتند از افرادی بودند که از ابتدا در محل حضور نداشته و از این رو از کم و کیف رویدادها خبر نداشتند و به قول یکی از رفقا تنها در فکر آن بودند که جریان را از افراد و جریانات چپ و مبارز «دزدیده» و خود و افکار خود را مطرح سازند. آنان کسانی بودند که تنها برای مطرح کردن خود و نام خود همواره طالب گفتگو با رسانهها هستند تا نامشان مطرح شود. گویی بلافاصله تلفنهایشان به کار افتاد تا حضور خود را اعلام کنند، در حالیکه این تظاهرات ربطی به آنان نداشته و اهدافش کیلومترها دورتر از اهداف آنان بود!



تعداد معترضین بیشتر شده بود و دیگر شاید حدود ۴۰۰ نفر می شدیم. پلیسهای حاضر توانایی کنترل معترضین را که از رژیم در خشم بودند و با تحریکات مزدوران لانه جاسوسی به التهاب آمده بودند نداشتند. حصار بیرونی حیاط لانه جاسوسی نسبت به تعداد پلیسها طولانی بود و پس از دقایقی بخشی از حصار فرو ریخت و بخشی از معترضین (شاید حدود ۳۰ نفر) توانستند خود را به حیاط لانه جاسوسی برسانند.



چند تن از مزدوران با چوب و چماق و چاقو و اسلحه کمتری به سوی معترضین حمله کردند و یکی از مزدوران به دیگران فرمان داد که «بزنیدشون» و «با تیر بزنید». جالب اینجا بود که یکی از اسلحه به دستان همان مزدوری بود که در نقش چمن زن به کنترل معترضین مشغول بود. به خانمی ۶۰ ساله حمله کرده، او را به زمین انداخته و مورد ضرب قرار دادند. یکی از معترضین را با چاقو زدند و با چماق و چوب چند نفر دیگر را مصدوم کردند.



برخی از معترضین به کمک آنها که مورد حمله قرار گرفته بودند شتافته و با مشت و لگد و سنگ و چوب به مزدوران حمله کردند. شیشههای ساختمان لانه جاسوسی و چند ماشین که در حیاط پارک شده بود نیز هدف سنگها قرار گرفتند.

ساعتی دیگر در آنجا بودیم و سپس تصمیم گرفتیم که آنجا را ترک کنیم. گروهی با هم به راه افتادیم و خود را به ایستگاه اتوبوس رساندیم. راننده اتوبوس ایرانی بود و با رویی گشاده و صمیمانه پذیرای ما شد. در اتوبوس شروع به خواندن سرود کردیم. نوای سرودهایی چون «بهاران خجسته باد»، «سر اومد زمستون» و «ای جوانان، رفقا، قهرمانان» که در اتوبوس طنین‌انداز شده بود، نشانگر خواست تک‌تک ما برای ادامه مبارزهای آشتی‌ناپذیر تا سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی و سلطه اربابان امپریالیست آن بود.

ساعت یک ربع به ۱۰ بود که به خانه رسیده و انعکاس حرکت روز را در رسانه‌ها دیدم. امیدوار شدم که انعکاس خبر حرکت ما به توده‌های مبارز در ایران، آنان که قلب ما برای آنان می‌تپد هم خواهد رسید. پیش از خوابیدن با چند رفیق در اینجا و آنجا گفتگوهایی داشتم و همه آنان این حرکت و انعکاس آن را مثبت ارزیابی می‌کردند.

فردای آنروز باخبر شدم که «پیک نت» (پیک هفته شماره ۱۰۷) به «افشای ماهیت» حرکت ما پرداخته (!!!) و به طور روشنی بار دیگر ماهیت توده‌ای و ضدمردمی خود را به نمایش گذاشته است. وقتیکه به سایت آنها سر زدم، به راستی سرم بار دیگر از این همه وقاحت سوت کشید. در زیر تیتراژ «برای خنثی کردن جنبش اعتراضی ایرانیان خارج از کشور عوامل ج. اسلامی سفارت ایران در سوئد را اشغال کردند!» از جمله آمده است: «عاملین حسین شریعتمداری که بقایای شبکه سعید امامی را در سوئد سازماندهی کرده، با هدف خنثی کردن حرکت خودجوش و سراسری ایرانیان خارج از کشور که جنبشی بزرگ را علیه کودتای انتخاباتی و همدردی با مردم داخل کشور بوجود آورده‌اند، سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم را باصطلاح تصرف کردند. این طرح با همکاری کارکنان سفارت صورت گرفت و اشغال‌کنندگان خود را حزب کمونیست کارگری معرفی کردند.» بی‌شرمی بسیار لازم است تا بتوان چنین مزخرفاتی را سر هم کرده و عرضه نمود! اما بدیهی است که چنین وقاحتی از خائنین توده‌ای کاملاً برمی‌آید! به راستی معترضین مقابل سفارت رژیم دار و شکنجه را کجا و «عاملین حسین شریعتمداری» و «بقایای شبکه سعید امامی» را کجا؟! ما را کجا و «کارکنان سفارت» را کجا؟! آیا این ما هستیم که سر در هر آخوری فرو می‌کنیم، به لانه‌های جاسوسی رفت و آمد دائم داریم، به آنجا رفته رأی می‌دهیم و باز به آنجا می‌رویم تا به دنبال رأی خود باشیم یا خائنان «توده‌ای و اکثریتی»؟ در جمع ما

بار دیگر همه در خارج از محوطه لانه جاسوسی بودیم اما اعتراضات به پایان نرسیده بود. یکی از رفقای مجروح را برای درمان به سوی شهر روانه کردیم. شنیدیم که می‌خواهند مزدور مجروحی را با ماشین از لانه جاسوسی بیرون ببرند، از اینرو همه بر زمین بیرون در ورودی نشستیم و راه را بستیم. رفیقی که در خلال ۳۰ سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی بسیاری از عزیزان خود را از دست داده بود به شدت منقلب شده بود؛ اشک می‌ریخت و فریاد می‌زد. رفیق دیگری از برادرش می‌گفت که به دست دژخیمان رژیم از پای افتاده بود. بسیاری از ابراد حاضر از زندانیان سابق یکی از دو رژیم سلطنتی پهلوی یا جمهوری اسلامی و یا هر دوی آنان بودند. رفیقی به شوخی می‌گفت که «بالاخره پس از ۳۰ سال رفتن ایران، اونهم بدون گذرنامه!» رفقای شروع به سخنرانی و دادن توضیحات به فارسی و سوئدی کردند. مادری از آنچه جمهوری اسلامی بر سر او و خانواده‌اش آورده بود می‌گفت و فریاد می‌زد که چگونه جمهوری اسلامی زندان، شکنجه و مرگ را به خانواده او تحمیل کرده و از جمله ۴ فرزند و ۴ برادر او را کشته بودند. شعارها پشت سر هم تکرار می‌شد و جمعیت هر لحظه آشتی‌ناپذیری خود را با کلیت رژیم تکرار می‌کردیم.



ساعت از ۷ گذشته بود اما هنوز افراد تازه‌ای خود را به محل می‌رساندند. چندتایی با خود نوشابه و آب و چندتایی با خود گل آورده بودند. شعار دادن‌ها، مصاحبه کردن‌ها، صحبت‌ها و سخنرانی‌ها ادامه داشت. پلیس در همه جا حاضر بود و چند نفر هم که حدس زده می‌شد پلیس مخفی بودند مشغول عکس گرفتن و فیلمبرداری بودند. در خلال این مدت پلیس دو نفر از معترضین را دستگیر کرده و با خود برای بازجویی برد.

اتحاد زنان آزادیخواه: ندای به خون خفته خلق های مبارز ایران!

در روز سی ام خرداد و در جریان خیزش اخیر مردم ایران بر علیه ۳۰ سال خودکامگی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، لحظه ای که ندا آقا سلطان در میان انبوه مردمی که با فریادهای « مرگ بر دیکتاتور » لرزه بر اندام دژخیمان جمهوری اسلامی انداخته بودند، قرار گرفت، پیش از آنکه گلوله مزدوران رژیم قلب جوانش را از حرکت باز دارد، شاید با خود می اندیشید که او تنها یک صدا در میان امواج میلیون ها صدای حق طلبانه مردم ایران است. اما اکنون او با مرگ غم انگیز و دردناک خود پژواک صدای میلیون ها زن ستم دیده و میلیونها انسان رنج دیده ایران در سراسر جهان گشته است. او اکنون دیگر تنها یک ندا نیست بلکه فریادی است که قلب شب پرستان حاکم را به لرزه انداخته است.



مرگ جانگداز ندا بار دیگر نشان داد که وقتیکه زنان ما در کنار مردان، فریاد « مرگ بر دیکتاتور » سر می دهند با همه وجود می دانند که این دیکتاتوری چگونه با توسل به زور زندان و شکنجه و اعدام، بدیهی ترین حقوق آنان را سرکوب نموده و با آنان که نیمی از جامعه را می سازند به مثابه « نیمه انسان » برخورد می کند. جمهوری اسلامی در ستم بر زن نه فقط زنان رنج دیده ما را در کیسه های بیقواره ای به نام حجاب اسلامی حبس نموده است بلکه این را نیز بهانه سرکوب وحشیانه زنان و از این طریق سرکوب کل جامعه قرار داده است.

زنان مبارز ایران، در این سی سال گذشته که همواره در زیر سلطه رژیم جهل و استبداد جمهوری اسلامی، ستم های فراوانی را متحمل شده اند، دلاورانه همراه و پا به پای مردان

افراد بسیاری با وابستگی ها و یا نزدیکی های کم و زیاد به سازمانها و جریانات گوناگون سیاسی در حال و یا در گذشته وجود داشتند، افراد آزادهای نیز حضور داشتند که در هیچ سازمان و یا جریانی عضو نبوده و نیستند؛ آنچه مسلم است این است که حرکت ما وابسته به هیچ سازمان و جریان مشخصی نبود و گذشته از وابستگی های سیاسی تنها صدای کوبنده توده های تحت ستم ایران بود. توده های خائن در ادامه برای « اثبات » مزخرفاتی که تنها می تواند از « مغز » های علیل آنان، این حامیان واقعی « امام » بیرون آید. آنها نوشته اند که: « در ۱۲ روزی که از کودتای ۲۲ خرداد می گذرد، هیچگاه ایرانیان معترض در اروپا، تظاهراتی را در برابر سفارتخانه های جمهوری اسلامی سازمان نداده بودند- مگر یکی دو مورد در روزهای اول که هنوز ابعاد اعتراضات شکل منطقی و هدفمند خود را پیدا نکرده بود- زیرا هدف اصلی جلب حمایت مردم این کشورها و دیگر خارجیان نسبت به رویدادهای کودتائی و خونین ایران است و این کار در برابر ساختمان سفارت خانه های جمهوری اسلامی در نقاط پرت پایتخت های اروپائی ممکن نیست، بلکه در پرفت و آمد ترین نقاط این شهرها ممکن است. » و البته این گفته به اندازه کافی دروغ و مزخرف است که نیازی به توضیح ندارد. در خلال همین روزها هم در چندین آکسیون ایرانیان در چندین شهر، از جمله در استکهلم، برای اعتراض در کنار لانه های جاسوسی جمهوری اسلامی جمع شده بودند. آری گویا این خادمین به درگاه شیخ بار دیگر خواستار نشان دادن درجه وقاحت خود و نشانگر خیانت خود هستند اما باید بدانند که نیازی به چنین کاری نیست؛ ما آنها را به خوبی شناخته و بر ماهیت ضد خلقی آنان آگاهی کامل داریم!

بار دیگر حرکتی دیگر علیه تمامیت جمهوری اسلامی پایان یافت اما مبارزه برای سرنگونی این رژیم وابسته به سرمایه داری جهانی هم در آنجا، هم در اینجا و هم در بسیاری دیگر از نقاط جهان ادامه دارد.

پیروز باد مبارزات آزادیبخش توده های تحت ستم!
سرنگون باد جمهوری اسلامی، سگ زنجیری سرمایه داری جهانی!

درود بر آنان که علیه رژیم جمهوری اسلامی می رزمند!
برقرار باد سوسیالیسم!

نادر ثانی

استکهلم، دوشنبه ۸ تیرماه ۱۳۸۸

را به خاک و خون کشیده و هنوز هم از دستانش خون جوانان وطن می چکد.

اصلاح طلبان حکومتی و نیروهای رفرمیست و سازشکار، جهت مقابله با تفکری که رهائی زنان و مردان ایران را در نابودی کل رژیم جمهوری اسلامی می داند، سال های سال تبلیغ می کردند که نسل جوان ایران نه انقلاب می خواهد و نه حاضر به پرداختن هزینه مبارزه برای سرنگونی است، اما امروز **سیل خروشان و قهر انقلابی** همین نسل یعنی هزاران دختر و پسر چون ندا که فریاد « مرگ بر جمهوری اسلامی » سر داده و حریق **شعله های خشم** انقلابیشان سراسر ایران را فرا گرفته است، نشان می دهد که چنان اراجیفی صرفاً برای تحکیم پایه های نظام ظلم و ستم حاکم ساخته شده بود. همانطور که امروز نیز شاهدیم که همین دیدگاهها ضمن بستن چشمان خود بروی قهر ضد انقلابی ای که جمهوری اسلامی علناً در سطح وسیع بر علیه مردم بکار گرفته با تقبیح « خشونت » و با ترویج «مسالمت» سعی در خاموش کردن **شعله های خشم انقلابی** توده ها را دارند. اما شیر زنان و شیر مردان ما با فریاد « ما زن و مرد جنگیم به جنگ تا بجنگیم » همه این یاوه ها را به ریشخند می گیرند.

با گرمی داشت یاد ندا و ندا هائی که خون پاکشان در جریان خیزش اخیر بر زمین ریخته شد، بکوشیم با همه گیر کردن

شعار: « مرگ بر جمهوری اسلامی » و
« جمهوری اسلامی

با هر جناح و دسته

نابود باید گردد! »

مسیر انداختن **رژیم منفور** جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ هموار سازیم.

Etehadazan@yahoo.com

اتحاد زنان آزادیخواه، چهارم تیر ۱۳۸۸

میهنم را پس بده!

امروز خواسته های جامعه ایران نه به این دلیل که بر تغییر به معنای **تغییرات بنیادی** و **تعویض رژیم** تأکید می ورزند، بلکه بیشتر به دلیل اینکه منادی حقوقی هستند که تحقق آنها حتی از مترقی ترین نامزد رژیم در چهارچوب این نظام اساساً امکان پذیر نیست، بسی فراتر از خواسته های احزاب و گروه های سیاسی مشارکت کننده و بسیاری از مدعیان **روشنفکری** و

همرمز خود می جنگند و در این **خیزش های توده ای** چه حماسه های با شکوهی که نیافریده اند! این مبارزات علاوه بر این که **پتانسیل عظیم انقلابی** زنان جامعه ما را به معرض نمایش گذاشت، ثابت کرد که افق مبارزاتی زنان ایران همان سرنگونی و نابودی انقلابی **کلیت نظام سرمایه داری** جمهوری اسلامی است. با تکرار « مرگ بر جمهوری اسلامی »، زنان این موضوع را نشان دادند که آنها خواست رسیدن به دریای بزرگ **آزادی** را در سر دارند.

تصاویر و فیلمهائی که از **اعتراضات مردم** به پا خاسته در رسانه های گوناگون پخش شده است بروشنی خبر از شرکت وسیع **زنان و دختران آزادیخواه** در خیزش اخیر مردم ستمدیده ما داده و نشانگر آن است که زنان آزادیخواه ما بروشنی می دانند که در مبارزه بر علیه **نظام استثمارگرانه** موجود، دلایل بیشتری از مردان ستمدیده این آب و خاک دارا می باشند و تنها از طریق شرکت در مبارزه دوشادوش با مردان می توانند موفق به سرنگونی رژیم شده و به خواسته های بر حق خود دست یابند.

همین که تصویر ندا در لحظه جان باختن - که به صورت اتفاقی گرفته شده - به مظهر همه **جانباختگان** این خیزش مردمی تبدیل شده است - خیزشی که ده روز است ایران را به لرزه در آورده و خواب را از چشم جلاخان حاکم ربوده است - خود گواهی است بر نقش غیر قابل انکار **زنان آزاده ایران** در مبارزه برای **نابودی نظام ظالمانه** حاکم، نظامی که تنها در این ده روز خون صد ها زن و مرد تشنه آزادی را بر زمین ریخته و تازه به این هم راضی نشده و با حمله به بیمارستانها زنان و مردان مجروح را ربوده و به زیر شکنجه برده است.

جالب است که در شرایطی که طبقه حاکمه و رسانه های **امپریالیستی** جهت به بیراه بردن این خیزش در تلاش اند تا آنرا در چهار چوب اختلافات جناح های درونی نظام حاکم محصور ساخته و با تحمیل موسوی به مثابه رهبر این خیزش آنرا از محتوای مترقی و پیشرو تهی سازند روشن می شود که: « هدف ندا آقای **موسوی** یا **احمدی نژاد** نبود. « این موضوع را نامزد ندا در مصاحبه ای با بی بی سی مطرح نمود. به واقع نیز آرمان زنان و مردانی که در زیر گلوله و باطوم **مزدوران جمهوری اسلامی** با دست خالی می رزمند و بر علیه دیکتاتوری و برای آزادی فریاد می زنند نمی تواند مطالبات و خواسته های موسوی ای باشد که علناً از حفظ « نظام مقدس جمهوری اسلامی » سخن گفته و در زمان نخست وزیری اش هزاران زن و مرد **کمونیست** و آزادیخواه

برون سراز این بارنگ آوریم

بیاتابوئیم و جنگ آوریم

نمایش دهد، لیکن حقیقتاً چیزی جز حکومت اسلامی نبود. اگر زمامدارانش نتوانستند آن را آنگونه که می‌پندارند، پیاده کنند، در واقع به برکت رشد سیاسی و اجتماعی بود که اگرچه با تناقض‌های آشکار، لیکن به هر حال در طول **انقلاب مشروطه** و پس از آن در دوران **سلسله پهلوی** در تار و پود جامعه ایران تنیده شده بود.

امروز این انقلابی که شاهد آن هستیم، حتی اگر شکست بخورد (که قطعاً موقت خواهد بود) ولی بی‌تردید گامی سرنوشت‌ساز به سوی **پیروزی قطعی** و نهایی مشروطه بر مشروعه، مدرنیته بر سنت، و حکومت عرفی و سکولار بر حکومت دینی و الاهی است. مشروطه به معنای تأمین و تضمین آزادی و تجدد به اضافه پایبندی به اصول حقوق بشر و تمامی **دستاوردهای دموکراتیک** که جهان در صد سال گذشته به آنها دست یافته است.

در تحلیل رویدادهای اخیر ایران نباید توجه را تنها به مناسبات قدرت و جنگی که بین خودی‌های قبیله حاکم در جریان است، محدود کرد. یک کفه بسیار سنگین این رویدادها همانا مردم و جامعه هستند. کفه‌ای که **نابسامانی‌های اقتصادی**، **سیاسی و فرهنگی** به شدت بر وزن آن افزوده و آن را در برابر کفه بی‌بنیه و پرفساد و پوسیده حکومت بسی سنگین کرده است. امروز خواسته‌های جامعه ایران نه به این دلیل که بر تغییر به معنای **تغییرات بنیادی و تعویض رژیم** تأکید می‌ورزند، بلکه بیشتر به دلیل اینکه منادی حقوقی هستند که تحقق آنها حتی از مترقی‌ترین نامزد رژیم در چهارچوب این نظام اساساً امکان پذیر نیست، بسی فراتر از خواست‌های احزاب و گروه‌های سیاسی مشارکت‌کننده و بسیاری از مدعیان **روشنفکری و سکولاریسم** قرار دارد.

در چنین شرایطی، حتی اگر موسوی نیز رئیس جمهوری اسلامی می‌شد، باز هم **بحران مطالبات** انباشته شده مردم، به شکلی بروز می‌کرد چرا که دولت موسوی بیشترین انرژی خود را در چهار سالی که در اختیار می‌داشت، بیش از هر چیز باید صرف مبارزه با رقیب سازمان‌یافته خود می‌کرد، بدون اینکه از **پشتیبانی** اکثریت مجلس و قوه قضاییه و هم چنین «رهبر» برخوردار بوده باشد. و نتیجه، چیزی جز انباشته شدن مشکلات و ادامه فرسایش کشور نمی‌بود. به این ترتیب نه خواست حداقلی، بلکه حداقل‌ترین خواست مبنی بر «رفتن احمدی‌نژاد» که **انگیزه** بسیاری از افراد برای مشارکت آنها در «انتخابات» بود، ممکن بود از نظر احساسی تنها مرهمی باشد بر سرشکستگی آنها در

سکولاریسم قرار دارد. مواضع داخلی و خارجی نشان می‌دهند که راه بازگشت بر هر سه طرف درگیر در ایران بسته است: رهبری و انصارش، **موسوی و اصلاح‌طلبانش**، مردم و آرزوهایشان برای تغییر.

الاهه بقرات www.alefbe.com

میهنم را پس بده!



من مطلقاً **تقدیرگرا** نیستم. معتقدم فرد در **تحولات اجتماعی** نقش بسزا و گاه کاملاً تعیین‌کننده، اعم از مثبت و منفی، دارد. لازم نیست به تاریخ و به گذشته‌های دور مراجعه کنیم. هم اینک تجربه‌ای بی‌همتا را پیش چشم داریم و این بخت را یافته‌ایم تا از نزدیک شاهد آن باشیم.

ولی معتقدم **قوانین اجتماعی** بسیار شبیه به قوانین طبیعی عمل می‌کنند. جوامع در هر دوره و بر اساس آنچه تاریخ و فرهنگ آنها را می‌سازد، سوخت و سازهایی دارند که هرگونه اختلال در آن، به واکنش‌هایی منجر می‌شود که تلاش می‌کنند تا روند طبیعی زندگی را به جامعه باز گردانند. روندی که **امنیت و آزادی**، آسایش و رفاه، از یک سو مبانی و از سوی دیگر اهداف آن را تشکیل می‌دهند. آگاهی بر این قوانین نانوشته و شناخت این حقیقت که اساساً چنین قوانینی وجود دارند، سبب می‌شود بتوانیم واقعیت را تا آنجا که ممکن است، آنگونه که هست، تشخیص دهیم و با پرهیز از اختراع واقعیت بر اساس افکار و آرزوهای خود، به ارزیابی و تحلیل آن بپردازیم بدون آنکه منافع فردی و گروهی و یا آرزوهای شخصی خود را در آن دخالت دهیم و یا اسیر **موج‌های تبلیغاتی** گردیم.

سه طرف امروز دیگر کمتر کسی است که تردید داشته باشد **انقلاب اسلامی** پیروزی مشروعه بر مشروطه پس از یک شکست هفتاد ساله بود. حکومت برآمده از انقلاب اسلامی اگرچه نام جمهوری را یدک می‌کشید و اگرچه از ابزار جوامع دموکراتیک از جمله انتخابات تلاش می‌کرد تا چهره مقبولی از خود به جهان

عقب‌نشینی طرف مقابل نیست. آن هم با توجه به اینکه عقب‌نشینی «رهبر» در برابر مردم، بخش دیگری از قبیله حاکم را که بر مهم‌ترین منابع سیاسی و اقتصادی و امنیتی تکیه زده است، به مقابله با وی خواهد کشاند. در عین حال، هم **عقب‌نشینی** «رهبر» و هم عقب‌نشینی موسوی، هر دو، به معنای کوبیدن آخرین میخ به تابوت رژیم است که اگر این «انتخابات» هم نمی‌بود، به هر حال دیر یا زود و با دستاویزی دیگر با مقاومت مردم روبرو می‌شد.

مردم نیز راه پس ندارند. هرگونه عقب‌نشینی معترضان همانا به معنای گسترش **سرکوب و وحشیانه** منتهی در سکوت خواهد بود. امروز رسانه‌های جهان می‌توانند حضور آنها را با خبرسانی مداوم مستند سازند. لیکن **عقب‌نشینی** مردم نه آرامش بلکه **سرکوب بی‌امان** را به دنبال خواهد داشت تا بار دیگر سر بلند نکنند. حضور مداوم آنها در تظاهرات، در اعتصابات و در نافرمانی‌های مدنی با حفظ آرامش و پرهیز از خشونت است که سرنوشت «تغییر» را در یک مسیر مثبت و دمکراتیک، همراه با سرنوشت نظام، رقم خواهد زد.

خود رژیم مبتکر این گره کور است. و این در حالیست که جمهوری اسلامی برخلاف **اقتدار دروغینی** که به نمایش می‌گذارد، هرگز تا این اندازه سست و لرزان نبوده است. تجربه نشان می‌دهد، رژیمی که دست به خشونت عریان علیه مردم می‌زند، در ضعیف‌ترین موقعیت ممکن قرار گرفته است. اختلاف و انشقاق سر تا پای رژیم از ارتش و سپاه و بسیج تا هیئت حاکمه و **نهادهای انتصابی** و به اصطلاح انتخابی آن را فرا گرفته است. هر روز افراد بیشتری از خود نظام پی می‌برند که آینده‌ای در برابر آن قرار ندارد. برخی فرار می‌کنند و برخی رنگ عوض می‌کنند. و نهایتاً آنهایی که پشت نظام می‌مانند، مانند هر رژیم دیگری که مسیر فروپاشی را طی کرده است، تنها اندکی خواهند بود که جانشان به آن بسته است.

در این میان، آیا ممکن است غرب این همه تصاویر و اخبار خشن از سرکوب و کشتار مردم را ناگهان به دست فراموشی بسپارد و جهان و ایران دوباره به آنچه تبدیل شود که پیش از **۲۲ خرداد** (۱۲ ژوئن) بود؟ کاملاً بعید به نظر می‌رسد. امروز **سیاستمداران** و رسانه‌ها دیگر نه از «ایران» بلکه مدام از «جمهوری اسلامی در ایران» سخن می‌گویند. هیچ‌گاه به این اندازه عنوان «جمهوری اسلامی» در گزارش‌ها و مقالات تکرار نشده است. آنچه را بسیاری از ایرانیان سالها تلاش می‌کردند به غربی‌ها بفهمانند، خود جمهوری اسلامی با «انتخابات» خود و با

چشم جهانیان، لیکن هیچ راهی برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی نمی‌گشود مگر آنکه آن گونه که «اصلاح‌طلبان» تبلیغ کرده بودند، برای «تغییر» آستین‌ها را بالا می‌زدند. این کار اما بدون ایستادن در برابر «رهبر» امکان‌پذیر نمی‌بود. امروز کاری که با **پیروزی موسوی** در «انتخابات» به دلیل التزام مکرراً اعلام شده وی به نظام و رهبری قطعاً به شکست می‌انجامد، چه بسا اینک با شکست وی راهی از درون **سنگلاخ** جمهوری اسلامی بیاید.

در این میان باید توجه داشت که مردم را نباید فدای جنگ قدرت هیئت حاکمه کرد. اگر این مردم، جان بر کف به خیابان‌ها می‌روند نه برای **موسوی** و **کروبی** و **رفسنجانی**، بلکه برای دستیابی به حقوق خودشان است. کاملاً می‌توان تصور کرد که اگر مردم در اعتراض به **فریب بزرگ** انتخابات و تحقیری که آتش به جانشان زد، به خیابان‌ها نمی‌ریختند، جنگ درون قبیله حاکم به شکل دیگری ادامه می‌یافت. «رهبر» ابتدا مردمی را که رأی داده بودند، امت اسلام خواند و آرای آنها را به حساب تأیید نظام خود نوشت. لیکن وقتی همان مردم به اعتراض برخاستند آنها را **مزدور بیگانه** و اوباش نامید و به خاک و خونشان کشید. آنچه در دو هفته گذشته در ایران گذشته است، و مواضعی که در جهان نسبت به **زامداران جمهوری اسلامی** اعلام شده است، از انتشار عکس **خامنه‌ای** و **احمدی‌نژاد** در کنار **شیخ حسن نصرالله** رهبر حزب‌الله لبنان و بن لادن رهبر القاعده تا امتناع سران کشورهای جهان در پذیرفتن و تبریک ریاست جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد، همگی نشان می‌دهند که راه بازگشت بر هر سه طرف در ایران بسته است: رهبری و انصارش، موسوی و **اصلاح‌طلبانش**، مردم و آرزوهایشان برای تغییر.

یک گره کور «رهبر» پس از سخنان مکرری که در روزهای اخیر بیان کرد، و با گفتن اینکه «قانون‌شکنی» نمی‌کند و زیر بار «زور» نمی‌رود و با انداختن انواع و اقسام **نیروهای سرکوبگر رژیم** به جان مردم، اگر هر گامی به عقب بردارد، چیزی جز نقض آنچه گفته است نخواهد بود چرا که با عقب‌نشینی هم **قانون‌شکنی** دیگران را پذیرفته، هم خود قانون‌شکنی کرده و هم زیر بار «زور» رفته است.

موسوی با برافراشتن پرچم «استیفای حقوق مردم» هرگونه عقب‌نشینی‌اش معنای دیگری جز زیر پا گذاشتن حقوق مردم نخواهد داشت. تلاش او برای رسیدن به یک توافق برای **حفظ نظام**، آن گونه که از سخنان و بیانه‌هایش پیداست، تنها با عقب‌نشینی طرف مقابل به ثمر خواهد رسید. لیکن نشانی از

بازار تهران روزانه هزاران مراجعه کننده از سراسر ایران دارند و هر خبری در بازار شود بلافاصله توسط این شاهدان عینی به شهرستانها منتقل می شود و **صدای جنبش سبز** بسرعت در شهرستانها هم شنیده می شود.

بازار تهران در کنار بازار سایر شهرها بزرگترین **تأمین کننده مالی روحانیت** می باشد و بهمین دلیل روابط بسیار صمیمانه ای هم با آنها دارند. هر مسجدی به کمک چند حامی مالی **بازاری** اداره می شود و حوزه های علمیه و مدارس دینی نیز وابسته به **وجوهات شرعی بازاریان** هستند. اگر بازار تعطیل و درآمد بازاریان تهدید شود آنها بیشترین فشار را به روحانیت خواهند آورد که اوضاع را جمع و جور کند. توجه داشته باشید که بازار تابع ایدئولوژی خاصی نبوده و دارای گرایش سیاسی خاصی نیست، **ماهیت بازار** بر مبنای گردش پول و سرمایه و تحصیل سود و منفعت است، آنها اگر می خواستند کار سیاسی کنند که در بازار نبودند، **بازار** فقط جای پول درآوردن است. حتی اگر درصدی از بازاریان هم قلباً مایل به تعطیلی بازار و اعتصاب باشند، که در حال حاضر تعدادشان کم نیست، از ترس تعقیب سیاسی حکومت جرأت اینکار را ندارند و منتظر بهانه ای هستند که **بستن بازار** را بر گردن آن انداخته و خود را مبرا نشان دهند. باید برای کسب این بهانه به بازاریان کمک کرد.

در صورت بروز تظاهرات در بازار بلافاصله ترافیک گسترده ای در مرکز شهر بوجود می آید که در صورت ادامه، سراسر شهر را در بر گرفته و مانع جدی برای **جابجایی نیروی گارد** می شود. در خود بازار نیروی گارد فقط می تواند تعداد محدودی را وارد نماید و بدلیل عدم امکان پشتیبانی نیروی موتوریزه (موتور و خودروهای مختلف)، نیروی گارد احساس ترس داشته و همچنین بدلیل **پیچیدگی بازار** و شباهت زیاد قسمتهای مختلف بازار با یکدیگر و وسعت گسترده بازار، امکان گم شدن و متفرق گردیدن نیروهای گارد زیاد بوده و بهمین دلیل فقط در دهانه های بازار عملیات خواهد نمود و وارد عمق بازار نمی شوند. نیروی پیاده گارد به هیچ وجه از نیروی موتوریزه فاصله زیاد نمی گیرد.

برای تظاهرکنندگان نیز بازار پوشش خوبی دارد زیرا روزانه دهها هزار نفر برای خرید راهی بازار شده و حضور در آنجا بر خلاف حضور در خیابانها و میدانی که از قبل برای راهپیمائی اعلام شده بخودی خود دلیل **جرم و دستگیری** نمی باشد و لذا پس از اتمام تظاهرات، مردم می توانند به سلامتی از بازار خارج و راهی منازل خود شوند.

سرکوب وحشیانه ای که پس از آن در برابر چشم همگان به راه انداخت، به غرب حالی کرد. این رویدادها پشت **جبهه مبارزات** مردم ایران را در خارج از کشور چنان نیرو بخشیده که هرگز تا این اندازه یکپارچه و متحد عمل نکرده است. همان گره کور، کار را از پس گرفتن « رأی » گذرانده است. داخل و خارج، چپ و راست، آنهایی که جمهوری اسلامی آرایشان را با فریب از چنگشان به در آورد و آنانی که رأی خود را از رژیم دریغ داشتند، کاملاً متحد (صرف نظر از برخی پارزیتها) در پی آن هستند تا نه رأی برخی از **مشارکت کنندگان** و بخشی از مردم ایران، بلکه **میهن مشترک** همه ایرانیان را پس بگیرند.

۴ تیر ۱۳۸۸

۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

وبلاگ؛ چرا باید تظاهرات را به بازار کشانید؟

وبلاگ سهرابستان

بازار تهران نقش عظیمی در اقتصاد تهران و کل کشور داشته و تقریباً مهمترین **ساختار اقتصادی** یکپارچه پایتخت می باشد. تراکم شعب بانکها در بازار بسیار شدید بوده و بیشترین گردش پول در همین شعب بازار است، بانکها بطرز عجیبی به این گردش بالای نقدینگی **شعب بازارشان** وابسته هستند.

تظاهرات خیابانی فقط برای اعلام موجودیت است ولی آنچه سرنوشت **جنبش سبز** را روشن می کند موفقیت در **اعتصابات عمومی** است. اعتصابات سراسری علاوه بر خسارات سنگین مالی که به حکومت وارد می کند باعث گسترش نارضایتی در کشور می گردد.

اگر بنا به اعتصابات باشد، مطمئن باشید که بازار آخرین جایی خواهد بود که شاید به اعتصابات بپیوندند. گردش پول در بازار **میلیاردی** است و صرفنظر کردن از چنین مبالغی برای **بازاریان** بسیار سخت است. در خلال انقلاب ۵۷ نیز کشاندن تظاهرات به بازار باعث **تعطیلی** آن شد و بنام اعتصاب بازاریان ثبت شد. بازاریان بسیار پولدار و بهمین نسبت بسیار **محافظه کار** بوده و دلیلی نمی بینند که ریسکی را بپذیرند. بمحض بروز سروصدا و تظاهرات آنها ترجیح می دهند بازار را تعطیل و راهی منزل یا باغ کرج و یا ویلای شمال شوند. چند روزی را هم احتیاطاً صبر می کنند تا اوضاع کاملاً عادی شود.

جمعیت زیادی خود را به آنجا رسانده بودند تا حدود ساعت ۴:۳۰ دقیقه مردم در سکوت در میدان ایستاده بودند که دائماً نیروی انتظامی به آنها اخطار می داد که نایستند و حرکت کنند تعدادی از مردم بازو بند مشکی بسته اند و عده کمی هم عکس ندا را در بالای سر نگهداشته بودند افرادی که عکس در دست داشتند مورد هجوم نیروهای گارد و یا لباس شخصی قرار می گرفتند تقریباً در ساعت ۴:۴۰ دقیقه تمام نیروهای گارد و ضد شورش جمعیت واقع در میدان را محاصره کردند و چند گاز اشک آور زدند تا مردم متفرق شوند که صدای شعار مرگ بر دیکتاتور مردم و نترسید نترسید ما همه با هم هستیم مردم بلند شد مردمی که از خیابان های اطراف می خواستند وارد میدان بشوند آماج حملات باتوم قرار می گرفتند و عده ای هم دستگیر می کردند و دستگیر شده ها را با ضربات باتوم به سمت ماشین ها می بردند و در داخل ماشین هم با باتوم به جانشان می افتادند.



زمانی که شدت فشار مردم اطراف میدان که می خواستند وارد میدان بشوند بیشتر شد چندین تیر هوایی شلیک کردند تا جمعیت را متفرق کنند. اما فشار مردم بیشتر شد که شروع به تیراندازی مستقیم به سمت مردم کردند که شعار می کشم می کشم آنکه برادرم کشت جمعیت بالا رفت نزدیک به ۱ ساعت در میدان بهارستان و خیابان های اطراف میدان، صدای تیراندازی به گوش می رسید مردم هم با پرتاب آجر سعی می کردند نیروهای گارد را دور کنند. هر زمان گروهی از مردم در اثر فشارهای نیروهای گارد به خیابان های اطراف می گریختند توسط موتور سوارها تعقیب می شدند و با باتوم به جانشان می افتند و درگیری را به خیابان های اطراف میدان بهارستان کشاندند. گفته می شود تعدادی در این درگیری کشته و حدود ۳۰ نفر دستگیر و بالای ۵۰ نفر مجروح شده باشند.

روز شنبه ۳۰ خرداد عامل اصلی موفقیت گارد در جلوگیری از بهم پیوستن دسته های چند هزار نفری **تظاهرکنندگان** و بوجود آمدن جمعیت عظیمی که دیگر امکان سرکوب آن وجود نداشته باشد، استفاده از هلیکوپتر و فرماندهی هوایی بود. فرماندهان گارد دائماً آخرین وضعیت دسته های تظاهرکنندگان را مشاهده و متناسب با جمعیت، اقدام به جابجایی نیرو می کردند. در بازار بدلیل سرپوشیده بودن معابر و نبود دید هوایی، گارد از این امکان ویژه نیز محروم می گردد.

حتی هفته ای یکبار تظاهرات هم موجب تعطیلی دائمی بازار و **توقف گردش خون** در پیکر اقتصادی حکومت گردیده و اثرات جانبی مخربی خواهد داشت، همچنین افرادی و نهادهایی که بازار **حمایت مالی** آنها را بر عهده دارد و در راس آنها روحانیت، تحت فشار بازاریان اقدام به فشار بر حکومت از داخل نموده و باعث کوتاه آمدن و عقب نشینی تدریجی حکومت خواهند شد.

تعطیلی بازار زمینه ساز بروز **اعتصابات** در سایر صنوف و ادارات خواهد بود. اعتصابات است که با اثرات عظیم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود هر رژیم را بزانو در می آورد. حکومت ابزار و سلاحی برای سرکوب اعتصابات ندارد. اعتصابات شکافها و **اختلافات داخلی** حکومت را تشدید کرده و باعث خواهد شد که جنبش سبز به فردایی روشن که ایران عزیزمان شب را سپری و **روز فرحبخش** شادکامی و کامیابی خود را شروع کرده است دست یابد.

خبرها

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

گزارشی از درگیریهای شدید در میدان بهارستان

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

تقریباً از ساعت ۱۲ ظهر امروز چهارشنبه ۳ تیر تمام مسیرها به سمت میدان بهارستان بسته شد و هیچ خط مترویی در ایستگاه بهارستان توقف نمی کرد. بیشتر نیروهای گارد ویژه و ضد شورش و حتی نیروی انتظامی دور تا دور مجلسی را با ماشین و موتور احاطه کرده بودند و به تمام مغازه های واقع در میدان بهارستان و حتی مغازه های خیابانهای فرعی منتهی به بهارستان دستور تعطیلی داده بودند و تهدید کرده بودند که اگر مغازه ها را نبندید آنها را به آتش می کشیم با وجود کنترل شدید تمامی مسیرهای منتهی به میدان بهارستان

مرگ آنها شده است و یا اینکه زخمهای شدید بر جای گذاشته است. آنها برای ایجاد رعب و وحشت با وحشیانه ترین شیوه تظاهر کنندگان را آماج باتومهای خود قرار می دهند. زنده یاد آقای معزز ۲۷ ساله یکی از جانبازگانی است که در اعتراضات گسترده و خونین مردم تهران در ۳۰ خرداد ماه شرکت کرده بود. او حوالی میدان آزادی با اصابت گلوله به چشمش جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کرد. نیروی انتظامی برای پوشاندن جنایات این رژیم هرگونه عکس و اعلامیه ای که از شهدا نصب می شود از بین می برند. این سرکوب خونین یک روز پس از صدور فرمان ولی فقیه علی خامنه ای برای به خاک و خون کشاندن مردم روی داد. سپاه پاسداران، یگان ویژه، بسیج و لباس شخصیها که تحت امر علی خامنه ای هستند با گشودن آتش بر روی مردم بی دفاع، آنها را به خاک و خون کشاندن. در این روز خونین تعداد زیادی از مردم مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و سنگفرشهای خیابان آزادی و سایر خیابانها را رنگین کرد. نیروهای سرکوبگر برای پاک کردن آثار جنایت خود تا صبح آنروز مشغول شستن خیابانها که آغشته به خون آزادیخواهان بود بودند.

همچنین در روزهای گذشته تعداد زیادی از جوانان دختر و پسر را دستگیر و به زندانهای مختلف منتقل کردند. اسامی تعدادی از دستگیر شدگان روزهای اخیر به قرا زیر می باشد:

- ۱- حسین حسینی ۲۴ ساله یکشنبه ۲۴ خرداد در خیابان فاطمی دستگیر و به اوین منتقل شده
- ۲- رضا رحیمی ۳۲ ساله دوشنبه ۲۵ خرداد در کارگر جنوبی دستگیر و به اوین منتقل شده
- ۳- رحیم مددی ۲۹ ساله سه شنبه ۲۶ خرداد در آزادی دستگیر و به اوین منتقل شده
- ۴- محمد مهدی امانی ۲۴ ساله چهارشنبه ۲۷ خرداد در هفت تیر دستگیر و به اوین منتقل شده
- ۵- آرمان جدایی ۲۰ ساله پنجشنبه ۲۸ خرداد در توپخانه دستگیر و به اوین منتقل شده
- ۶- حمید ستوده ۲۲ ساله پنجشنبه ۲۸ خرداد در توپخانه دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص
- ۷- جواد جابری ۲۶ ساله پنجشنبه ۲۸ خرداد در حوالی ۱۵ خرداد دستگیر و به قزل حصار منتقل شده
- ۸- میلاد صوری ۲۲ ساله شنبه ۳۰ خرداد در نواب دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

از دیروز نیروهای بسیج و سپاه مستقر در سر تمام خیابان ها جلوی مردم به خصوص جوانان را می گیرند و عکسها و فیلم های موجود در موبایل آنها را بررسی می کنند. حتی جلو ماشین ها را هم می گیرند و داخل ماشین ها را هم می گردند.

۳ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

خبرگزاری فرانسه: چندین کشته در اثر تیراندازی در تهران

به گزارش خبرگزاری فرانسه از تهران، در اثر تیراندازی ماموران حکومتی بسوی تظاهرکنندگان در اطراف مجلس در میدان بهارستان چندین نفر کشته شدند. گزارش تکمیلی متعاقباً به اطلاع خواهد رسید.

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

قیام سراسری مردم؛ پیام تغییر در ایران

یک سخنگوی کاخ سفید روز سه شنبه اعلام کرد اعتراضات در ایران، وضعیت این کشور را تغییر داده است. رابرت گیبس گفت تظاهرکنندگان توجهات را نسبت به آنچه در ایران می گذرد، جلب کرده اند. من قاطعانه فکر می کنم که ما شاهد آغاز تغییر در ایران هستیم.

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

نام یک جانبازخته آزادی و اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران بنابه گزارشات رسیده یورشهای وحشیانه یگانه ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها به مردم بی دفاع تهران تا به حال جانبازگان، زخمیها و دستگیریهایی زیادی را بر جا گذاشته است.

نیروهای سرکوبگر با وحشی گری تمام و به قصد قتل تظاهر کنندگان آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. نیروهای یگان ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها با سلاحهای گرم مردم بی دفاع را از کمر به بالا هدف قرار میدهند و بدین دلیل آمار جان باختگان بالا است. آنها همچنین اکثراً با باتوم به سر و صورت تظاهر کنندگان ضربه می زنند که در مواردی منجر به

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

حکومت نظامی در کرمانشاه

در کرمانشاه هم اکنون حکومت نظامی برقرار است و رسماً به مردم گفته شده که از ساعت ۱۶ تجمع بیش از سه نفر در سطح شهر ممنوع است و با تجمع کنندگان برخورد شدید خواهد شد. علاوه بر ماموران گارد ویژه و مزدوران بسیجی، رژیم هنگ مرزی را نیز برای مقابله با اعتراضات مردم به کرمانشاه منتقل کرده است.

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

دو جوان ۱۸ و ۲۰ ساله بضرپ گلوله کشته شدند**فعالان حقوق بشر در ایران**

هویت احراز شده دو تن دیگر از جان باختگان خشونت‌های اخیر در تهران به قرار ذیل اعلام می شود.



اشکان سهرابی، ۱۸ ساله، دانش آموز (پشت کنکوری)، محل فوت: تقاطع بوستان سعدی و رودکی (سلسبیل)

بهمن جنابی ۲۰ ساله، شاغل در مغازه نصب و تعمیرات شوفاژ



دو شهروند فوق به گواه شاهدان توسط نیروهای لباس شخصی در حالیکه بصورت غیرمسلح به اعتراض در خصوص نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران مشغول بودند به ضرب گلوله به قتل رسیدند. لازم به ذکر است به دلیل

محدودیت‌های ارتباطی و فضای امنیتی ناشی از سیاست‌های دولت، شناسایی جانب‌باختگان خشونت‌های اخیر در اقصی نقاط ایران با دشواری‌های عدیده ای روبه روست.

یکشنبه، ۷ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹

آسوشیتدپرس: شعارها علیه کلیت نظام است

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی نوشت در تظاهرات ایرانیان اکنون شعارها کمتر حول درخواست برگزاری مجدد

۹- علی اکبر صمدی ۲۶ ساله شنبه ۳۰ خرداد در میدان جمهوری دستگیر و به قزل حصار منتقل شده
۱۰- ناصر امیری ۲۳ ساله شنبه ۳۰ خرداد در انقلاب دستگیر و به اوین منتقل شده
۱۱- متین اسدیان ۱۹ ساله شنبه ۳۰ خرداد در امیر آباد شمالی دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص
۱۲- مهران خوشرو ۱۸ ساله یکشنبه ۳۱ خرداد در خیابان هاشمی دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص
۱۳- شهاب مقدس ۲۰ ساله دوشنبه ۱ تیر در توحید دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

وزارت اطلاعات از شیوهٔ ردیالنه و لو رفته که از سالها پیش بکار می برد و تمامی جهانیان از آن آگاه هستند روی آورده است و از این طریق سعی دارد سرکوب خونین مردم ایران را توجیه کند. بعضی از جوانان دستگیر شده را وادار به مصاحبه های تلویزیونی می کند. و از آنها می خواهد که به گفته های دیکته شده که توسط بازجویان وزارت اطلاعات تعیین می شود اعتراف کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش وحشیانه به تظاهرات مردم و به قتل رساندن و مجروح کردن و دستگیری تعداد زیادی از آنها و همچنین وادار کردن آنها به اعترافات تلویزیونی را محکوم می کند. و از دبیر کل سازمان ملل و سایر مراجع بین المللی خواستار ارجاع پرونده نقض حقوق بشر این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل است

۳ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

چهارشنبه، ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان در بابل و مشهد

حراست دانشگاه بابل (عوامل وزارت اطلاعات در دانشگاه) با در دست داشتن عکس دانشجویان، افراد مورد نظر را در محوطه دانشگاه شکار می کنند و تحویل وزارت اطلاعات می دهد. روز گذشته دست کم یک دختر دانشجو به این وسیله دستگیر شد. در مشهد یکی از دختران دانشجو که به ضرب و شتم سایر دانشجویان توسط نیروهای سرکوبگر اعتراض کرده بود بر اثر شدت ضربات وارده، از ناحیه کمر به شدت آسیب دیده است.

شنبه های هر هفته ساعت ۷ بعد از ظهر به یاد ندا و دیگر عزیزان پر پر شده در پارک لاله جمع می شویم. مادران عزادار

سایت تغییر برای برابری: ساعت ۷ بعد از ظهر روز شنبه ۳۰ خرداد یکی دیگر از گل های زیبای وطن مان در مقابل چشمان ما و همه جهانیان پرپر شد. ندا آقا سلطان سمبل دختران و پسران این سرزمین است که با روشی قانونی به دنبال عدالت و برابری هستند و به صورتی غیرقانونی و وحشیانه از پا در می آیند.

در کمتر از دو هفته، بیش از ۸۰۰ نفر از فرزندان ما بازداشت، صد تا تن مجروح و ده ها تن کشته شده اند.

به کدامین گناه فرزندان ما را به قتل می رسانید؟ به چه جرمی، همه مادران ایران را عزادار کرده اید؟

ما، از حق خود و فرزندانمان نخواهیم گذشت.

ما تا آزادی کلیه زندانیانی که برای اعتراض به تقلب های انتخاباتی دستگیر شده اند و پایان دادن به خشونت ها، و مجازات قاتلان فرزندان مان، هر هفته ساعت ۷ بعدازظهر در حوالی محل شهادت ندای عزیزمان، خیابان امیر آباد - پارک لاله - کنار آب نما ی پارک، با سکوت به سوگ می نشینیم.

از کلیه مادرانی که نگران دختران و پسران خود، سرمایه های اصلی کشور عزیزمان هستند تقاضا داریم به این جمع بپیوندند.

شنبه، ۶ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

فراخوان گردآوری آمار بازداشت شدگان و جان باختگان

فعالان حقوق بشر در ایران

نظر به گستره گی بی سابقه دستگیر شدگان و جان باختگان حوادث اخیر در ایران و با توجه به این که دولت ایران از هر گونه گردش آزاد اطلاعات و همچنین فعالیت مدافعان حقوق بشر جلوگیری می کند و با عنایت به این که اکثریت مطلق بازداشت شده گان اخیر در سایه ی گمنامی و بی اطلاعی نهادهای ذی صلاح و افکار عمومی تحت شرایط ناامن و در معرض مخاطرات گوناگون به سر می برند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران طی این فراخوان از همه هم وطنان و مطلعان دعوت می کند هرگونه اطلاعی از بازداشت شده گان و جان باختگان وقایع اخیر ایران را گزارش کنند.

انتخابات است، این شعارها بیانگر یک خشم عمومی نسبت به نظام حاکم و به طور باور نکردنی علیه خامنه ای است. یک کارشناس امور ایران گفت دیگر دعوا بر سر موسوی نیست، مردم نارضایتی خود را نسبت به کل نظام ابراز می کنند.

شنبه، ۶ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

یورش وحشیانه به معترضان در اطراف پارک لاله تهران

عصر شنبه در پارک لاله درگیریهایی میان مردم و نیروهای سرکوبگر روی داد. براساس قرار قبلی قرار بود مادران عزادار به همراه معترضان امروز در این پارک جمع شدند، اما مورد هجوم ماموران وحشی رژیم قرار گرفتند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران: بنابه گزارشات رسیده از تهران، از ساعت ۱۷:۰۰ بعد از ظهر امروز جمعیتی در حدود ۳۰۰۰ نفر در میدان انقلاب به صورت دسته های مختلف به هم پیوستند که با یورش گارد ویژه مواجه شدند و با باتوم جوانان دختر و پسر را مورد ظرب و شتم قرار دادند. جمعیت معترض، با یورش گارد ویژه اقدام به دادن شعار مرگ بر دیکتاتور نمودند. در این یورش ۳ تن از جوانان دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند.

جوانان معترض مجدداً ساعت حوالی ۱۹:۰۰ در بلوار کشاورز - توحید تجمع کردند. جمعیت آنها در حدود ۱۵۰۰ نفر تخمین زده می شد. آنها قصد داشتند وارد پارک لاله شوند که با یورش وحشیانه گارد ویژه مواجه شدند. مأموران جوانان را آماج باتومهای خود قرار دادند. در این یورش بنابه گفته شاهدان عینی بین ۳ الی ۶ نفر زخمی شدند.

نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها تمامی خیابانها و کوچه های منتهی به پارک لاله در میدان انقلاب، بلوار کشاورز، خیابان مطهری، و فاطمی را به محاصره خود درآورده بودند. آنها سوار بر موتور در حالی که باتوم بدست داشتند هر از چند گاهی به مردم یورش می برند و آنها را آماج باتومهای خود قرار می دادند.

همراه با مادران عزادار امروز ساعت ۷ بعدازظهر در پارک لاله گردهمایی مادران عزادار: شنبه های هر هفته ساعت ۷ بعد از ظهر در پارک لاله به یاد ندا و دیگر عزیزان پر پر شده

تلفنی با سفیر جمهوری اسلامی در استکهلم به وی اطمینان داده است چنین حادثه ای در آینده رخ ندهد.

شنبه، ۶ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

گفتگو با یکی از خانواده های عزادار

آژانس ایران خبر: ابراهیم رجب پور، هفته گذشته همسر و دخترش را در حمله لباس شخصی ها به تظاهر کنندگان در میدان آزادی تهران از دست داد. با او که در غم ازدست دادن عزیزانش به شدت متاثر و داغدار است، گفتگو کرده ایم. وی می گوید: به کمر و گلوی زن و دخترم تیر زده بودند. وقتی رسیدیم هردو غرق در خون بودند. تشخیص پزشکان این است که در همان لحظه اصابت گلوله کشته شده اند.

آقای رجب پور این اتفاق دردناک را به شما تسلیت می گوئیم. لطفا در مورد روز حادثه برایمان بگوئید.

همسر و دختر من از مدت ها پیش در مهد کودک «آوای باران» مشغول کار بودند و بسیار هم از کار خود راضی و خشنود. آنها از بچه های مهد کودک پرستاری می کردند و درطول روز بارها به دلایل مختلف از محل کار خود خارج می شدند و دوباره مراجعه می کردند.

روز حادثه هم از مهدکودک خارج شده بودند، یا اینکه درون مهد بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفتند؟ نه، زمان حادثه دیروقت و وقت بازگشت آنها به خانه بود. به گمانم به دلیل ازدحامی که به وجود آمده بود نتوانسته بودند از مهدکودک خارج شوند. اطلاع رسانی به شما درمورد این حادثه چگونه شکل گرفت؟

من و پسرهایم می دانستیم آن روز سیاه قرار است در اطراف میدان آزادی راهپیمایی شود و مردم در میدان آزادی تجمع داشته باشند. بنابراین هرچه قدر که میدان آزادی شلوغ تر می شد و از ساعت کاری همسر و فرزندم می گذشت نگرانی های من هم بیشتر می شد. یعنی دلشوره ای عجیب در همان لحظات به سراغم آمد. به پسر محمد گفتم که شماره مهدکودک را بگیرد تا از اوضاع آن طرف اطلاع داشته باشیم. ولی وقتی با مهدکودک تماس گرفتیم هیچ کس جواب تلفن ما را نمی داد. نگرانی من و پسرهایم دو چندان شد و تصمیم گرفتیم به سمت مهد راه بیفتیم.

مجموعه به صورت مرحله‌ی نسبت به انتشار اسامی و مستندات دریافتی اقدام خواهد کرد.

info@hra-iran.org

آدرس ایمیل

تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

رسانه های بین المللی: مزدوران عرب در بین سرکوبگران

پایگاه اطلاع رسانی خاورمیانه: از زمانی که در ایران سرکوب گسترده تظاهرات اپوزیسیون آغاز شد، در برخی رسانه ها اخباری پدیدار شدند مبنی بر اینکه در ضرب و شتم فعالان اپوزیسیون نه تنها اعضای بسیج بلکه شرکای خارجی نیز شرکت داشتند. در بسیاری از بلاگ هایی که به توصیف درگیری بین نیروهای ضدشورش با نیروهای اپوزیسیون می پردازند، آمده است که علاوه بر بسیج، افرادی که به فارسی حرف نمی زدند نیز به تظاهرکنندگان حمله می کردند. بلاگ نویسان معتقدند که آنها اعضای حماس و حزب الله بودند که در اردوگاه های ایرانی دوره آمادگی خود را می گذراندند.

تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

نشریه تایم: اعتراض و تظاهرات تا سرنگونی

نشریه تایم چاپ آمریکا نوشت: بسیاری از کارشناسان امور ایران حرکتیهایی مانند اعتصاب عمومی، مسدود کردن عبور و مرور با تحصن و شعارهای شبانه از بالای پشت بامها و بالکنها را پیش بینی می کنند. رابرت هانتر، سفیر سابق آمریکا در ناتو گفت، این اعتراضات تا هنگامیکه رژیم تغییر کند ادامه خواهد داشت.

شنبه، ۶ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

وزارت خارجه رژیم سوئد را احضار کرد

ایلنا: در پی حمله عده ای از ایرانیان به سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم در روز جمعه، سفیر سوئد در تهران بلافاصله از سوی مدیرکل کشورهای شمال و شرق اروپا به وزارت خارجه احضار و اعتراض شدید جمهوری اسلامی در این مورد به وی ابلاغ شد. به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، سفیر سوئد با اظهار تاسف عمیق از وقوع این رخداد اعلام داشت مراتب را فوراً به وزارت خارجه کشورش منعکس و نتیجه را گزارش خواهد کرد. قائم مقام وزیر خارجه سوئد نیز در تماس

هیچ کس. وقتی درب آنجا را شکستیم و وارد شدیم دیدیم که هردوی آنها پشت پنجره روبروی ساختمان بسیج غرق در خون هستند.

گلوله به کجا اصابت کرده بود؟

به کمر و گلو. هردو غرق در خون بودند. با فرزندانش بالای سر پیکرشان قرار گرفتیم و... (به شدت می‌گریه) تشخیص پزشکان این بود که در همان لحظه اصابت کشته شده‌اند.

فکر می‌کنید عاملین این فاجعه چه کسانی بودند؟

مدیران سیاسی و کسانی که اسلحه بر دست داشتند.

آیا به غیر از کسانی که در ساختمان بسیج بودند در دستان کسان دیگری هم اسلحه دیدید؟

من ندیدم. از ساختمان سه نفر شلیک می‌کردند.

از کسی شکایت کرده‌اید؟

از فرد خاصی نه اما موضوع در حال پیگیری است و مسئولین قول داده‌اند عاملین را شناسایی و آنها را تحت اختیار ما و قانون قرار دهند.

چه کسانی به شما این قول‌ها را داده‌اند؟

مسئولین قضایی و دادگستری و اداره آگاهی و نیروی انتظامی.

مسئولین مهد کودک چه تصمیمی گرفته‌اند؟

فعلاً که در آنجا بسته و پلمپ شده است تا وضعیت خانواده من مشخص شود.

اوضاع روحی پسرانتان چگونه است؟

بسیار بد. آنها به شدت عصبی هستند و در برابر هر چیزی این روزها عکس‌العمل نشان می‌دهند. خدا به فریاد ما برسد.

آدینه، ۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

صدای آمریکا: حمله ایرانیان به سفارت رژیم در سوئد

یک فعال سیاسی مقیم استکهلم در گفتگوی تلفنی از مقابل سفارت جمهوری اسلامی در سوئد به تلویزیون صدای آمریکا گفت که دهها نفر از ایرانیان خشمگین که امروز برای تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی گرد آمده‌اند، با ورود به حیاط سفارتخانه رژیم، با مأموران سفارت که مجهز به چاقو و باتوم بودند، درگیر شدند و عده‌ای از مهاجمین در این درگیری از ناحیه سر و صورت مجروح گشتند. ایرانیان خشمگین،

وسایل ارتباطی خاصی مانند تلفن همراه نزد خانواده شما نبود که با آنها تماس بگیرید؟

در آن روز همه تلفن‌ها را قطع کرده بودند، اصلاً یکی از دلشوره‌های من همین بود که هرچه تلاش کردیم از این نگرانی در بیاییم نمی‌شد.

از محل سکونت شما تا مهد کودک آوای باران چه مسیری را باید طی می‌کردید؟

منزل ما در محله طرشت است و تا ضلع مورد نظرمان در میدان آزادی چیزی حول وحوش ۳۰ دقیقه طول کشید. با تاریک شدن هوا و نزدیکی به میدان آزادی صدای شلیک گلوله را شنیدیم. همین‌طور تلاشمان برای رسیدن به مهد کودک بیشتر و بیشتر می‌شد. دردم آشوب و بی‌قراری غریبی به وجود آمد (می‌گریه. سکوت) صدای گلوله هرلحظه بیشتر می‌شد و پسرانم محمد و علی تندتر از من می‌دویدند. دود غلیظی در نزدیکی محل کار به هوا پخش شده بود. ما فکر کردیم آنجا آتش گرفته و درگیری مستقیم در مهد کودک است.

اولین صحنه‌هایی که در محل درگیری دیدید چه بود؟

مردم زیادی جمع شده بودند. اغلب آنها شعار می‌دادند و یک‌جا را نشانه گرفته بودند. درون کوچه یک موتور سیکلت آتش گرفته بود و مردم بودند که با سنگ به سوی ساختمان بسیج حمله ور شده بودند. علت را از یکی دو نفر با نگرانی پرسیدم و به من گفتند کسانی که درون ساختمان هستند با مردم درگیر شده‌اند.

درگیری آنها بر سر چه بود؟

نمی‌دانم. اصلاً نمی‌دانم برای چه به جان هم افتاده بودند ولی امیدوارم که خداوند باعث وبانی ریختن خون این شهدا را تقاص بدهد. خون کسی به ناحق پایمال نخواهد شد. همین‌طور همسر و فرزند من. من دل‌بستگی شدیدی به هردوی آنها داشتم. آنها قربانی بازی‌هایی شدند که به هیچ‌عنوان نقشی در آن نداشتند. دختر من بسیار معصوم بود و همسر من یک همراه برای من و فرزندانش. همه می‌دانند که در خانواده‌ای که مادر، همسر و دخترغایب باشند چه فضایی به وجود می‌آید. خدا میداند که در این چند مدت چه کشیده‌ایم و اوضاع مان چه شکلی به خود گرفته است.

در مهدکودک به غیر از خانواده شما چه کسی مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود؟

وزیر امور خارجه ایتالیا افزود نمی توانیم بپذیریم که دست دراز شده آمریکا بسوی رژیم تهران که همه ما از آن حمایت کردیم، به خون آغشته شده و به سمت ما باز گردد.

پنجشنبه، ۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

جان بازداشت شدگان روزهای اخیر در خطر است

فعالان حقوق بشر در ایران

شکنجه دسته جمعی، منظم و هرروزه بازداشت شدگان کمپ کهریزک صدها شهروند بازداشت شده اعتراضات اخیر شهر تهران در کمپ کهریزک به صورت روزمره تحت بدرفتاری و شکنجه قرار دارند.

کمپ غیرقانونی کهریزک واقع در شهرسنگ از توابع شهری استان تهران که حدود هشت سال قبل در عملیات موسوم به « جزیره » مربوط به پاکسازی منطقه خاک سفید تهران برای اولین بار مورد بهره برداری قرار گرفت با توسعه و ساخت و ساز به محلی برای نگهداری بازداشت شدگان طرح موسوم به امنیت اجتماعی تبدیل شد.

این کمپ غیرقانونی که روند ساخت و ساز آن به خصوص از دو سال پیش شدت گرفته است با شروع اعتراضات اجتماعی گسترده در تهران پس از اعلام نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری باری دیگر نقشی محوری اما پنهان یافته است.

صدها بازداشت شده درگیریهایی خیابانی روزهای اخیر تهران بنا به ارگان بازداشت کننده در اماکن مختلفی اعم از بندهای مختلف زندان اوین تا بازداشتگاههای بسیج محلات و اماکن دیگر توزیع شده اند. یکی از مهمترین اماکن که تعداد قابل توجهی از بازداشت شدگان را در خود جای داده کمپ غیرقانونی کهریزک است که به دلیل عدم شناخت رسانه ها و افکار عمومی از دیده بانی جامعه پنهان مانده است.

بنابر گزارشات دریافتی از تنی از زندانیان این کمپ که اخیراً به زندان قزل حصار منتقل شده اند. در محدوده یک سالن، ۸ اتاق، ۲ سالن قرنطینه، ۴ سوله فلزی، جمعیتی در حدود ۹۲۰ نفر که دو سوله فلزی آن به خانمهای بازداشت شده تعلق گرفته است، (گنجایش این دوسوله در حدود ۲۰۰ نفر است) نگهداری می شوند.

با دخالت پلیس از حیاط سفارت خارج شدند ولی همچنان در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی، با قدرت تمام شعار « مرگ بر جمهوری اسلامی » سر می دهند. پلیس تا این لحظه کسی را بازداشت نکرده است.

پنجشنبه، ۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

لندن: رژیم تهران با بحران بی اعتباری مواجه است

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزیر امور خارجه انگلستان روز پنجشنبه با ابراز تاسف از سرکوب گسترده معترضان در ایران گفت رژیم تهران با بحران بی اعتباری مواجه است.

دیوید میلیبند گفت برخلاف تمایل رژیم تهران برای وارونه جلوه دادن حقایق، میان مردم ایران و آمریکا یا مردم ایران و انگلستان هیچ مشکلی وجود ندارد. مردم در خیابانها هستند به این علت که حکومت ایران به دلیل نتایج اعلام شده انتخابات دچار بحران بی اعتباری شده است. این موضوع نه از سوی انگلستان تحریک شده و نه از سوی این کشور سازماندهی شده است... مردم ایران خود در این مورد تصمیم می گیرند... وظیفه حکومت ایران باید حفاظت از شهروندان باشد نه تجاوز به حقوق آنان.

وزیر امور خارجه انگلستان همچنین خواهان آزادی فوری خبرنگار انگلیسی - یونانی زندانی در ایران (جیسون فاودن) شد. این خبرنگار هفته گذشته هنگام تهیه گزارش از درگیریها در تهران بازداشت شد.

پنجشنبه، ۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

بحران ایران؛ G8 خط مشی سختی در پیش خواهد گرفت

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزیر امور خارجه ایتالیا امروز اعلام کرد گروه G8 (هفت کشور بزرگ صنعتی جهان و روسیه) خط مشی بسیار سختی در قبال رژیم تهران در پیش خواهد گرفت.

فرانکو فراتینی که کشورش امسال میزبانی نشست گروه ۸ را برعهده دارد، پیش از آغاز اجلاس وزرای خارجه گروه مزبور در جمع خبرنگاران گفت تصمیم داریم در برابر جهانیان و با نگاه به آنچه در ایران روی می دهد، موضعی بسیار سخت و روشن در قبال رژیم تهران اتخاذ کنیم.

خانواده و فامیل او را به شدت ترسانده اند. حتی از خانه آنها و اتاق سعید توسط مأمورین اطلاعات فیلمبرداری و صورت برداری شده.

نمی دانم در خانه آنها دنبال چه بودند، روح سعید؟

یکشنبه، ۷ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹

زخمی ها را از روی تخت بیمارستان به زندان می برند

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران بنابه گزارشات رسیده دستگیریهایی گسترده و مستمر علیه مردم و بخصوص جوانان در سراسر ایران ادامه دارد. یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر که تحت امر مسقیم ولی فقیه علی خامنه ای قرار دارند در سراسر ایران ادامه دارد. نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها (مأمورین وزارت اطلاعات و اعضای سپاه پاسداران) همچنان به کشتار مردم بی دفاع ایران ادامه می دهند که تا به حال منجر به جان باختن و یا زخمی شدن تعداد بیشماری شده است. زخمی شدگانی که وضعیت آنها وخیم می باشد و ناچار به بستری شدن در بیمارستانها هستند توسط مأمورین وزارت اطلاعات و حراست بیمارستانها از تخت بیمارستانها بیرون کشیده می شوند و به نقاط نامعلومی انتقال داده می شوند. آنها برای پنهان نگاه داشتن جنایت خود از افشای نام جان باختگان و زخمی ها خوداری می کنند. و خانواده های قربانیان را تحت فشار شدید قرار می دهند. از طرفی دیگر موج دستگیریهایی هر روز ابعاد تازه ای بخود می گیرد. زندانها مملو از مردم دستگیر شده می باشند. نیروهای سرکوبگر علاوه بر زندانها افراد دستگیر شده را به پادگانهای پاسداران، پایگاههای بسیج و خانه های امن منتقل می کنند. نیروهای یگان ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی در روزهای اخیر تعداد بیشماری را در تهران و شهرستانها دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل کردند. آنها علاوه بر دستگیری گسترده شرکت کنندگان در تظاهراتهای خیابانی، شبانه به منازل مردم یورش می برند و آنهایی که ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند را دستگیر می کنند و به نقاط نامعلومی منتقل می کنند.

نیروهای وزارت اطلاعات با حمایت یگان ویژه به منازل مردم یورش می برند و فعالین دانشجویی، اعضای خانواده های زندانیان سیاسی، خبرنگاران، فعالین حقوق بشری و اجتماعی را دستگیر می کنند و به نقطه نامعلومی منتقل می کنند.

شاهدین عنوان می دارند همچون زمان طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی، بازداشت شدگان در این مکان در بدو ورود مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، فضای اختصاصی به هر فرد کمتر از یک متر مربع است، تغذیه در هر روز شامل دو وعده جیره می شود و کماکان سیب زمینی بعنوان غذای اصلی در این مکان توزیع می شود.

بنا بر شناخت این مکان حاصله از تحقیقات میدانی پیشین و مدعیات شاهدان، نیروهای پلیس امنیت بصورت منظم و هر روزه تحت عنوان « جیره کتک » با یورش به اتاقها و یا به صف کردن بازداشت شدگان در محوطه محصور به سیم خاردار این مکان، اقدام به ضرب و شتم شهروندان زندانی می نمایند. در این مکان طی دو سال اخیر دست کم ۱۴ زندانی بر اثر خشونت بی حد و حصر نیروهای نظامی یا عدم رسیدگی پزشکی جان خود را از دست داده اند. هر چند مجموعه امکان تائید جان باختن فردی از سری بازداشت شدگان اخیر در این مکان را ندارد اما کماکان این موضوع بنابر شرایط و اهداف ساخت کمپ و مدیریت چند ساله آن محتمل است. همچنین گزارش شده است نیروهای امنیتی مستقر در این مکان به صورت گروهی به بازجویی و فیلمبرداری از شهروندان محبوس در این مکان می پردازند.

لازم به ذکر است این مکان در اختیار بخش پلیس امنیت نیروی انتظامی است و هیچگونه نظارتی بر کمپ وجود ندارد. * برآورد آمارها بر اساس پلان و ظرفیت مورد استفاده این کمپ در زمان طرحهای پیشین و همچنین شهادت شهود است و آمار دقیق میتواند با نزدیکی زیاد اختلافاتی با آمار ارائه شده داشته باشد.

یکشنبه، ۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

من از تهران ایمیل میزنم

در محل ما جوانی به نام سعید عباسی در تاریخ ۸۸/۳/۳۰ توسط دژخیمان رژیم در مقابل مغازه اش در خیابان رودکی شهید شد.

سن او به اشتباه ۲۴ سال ذکر شده، او ۲۸ سال داشت و تنها پسر خانواده بود.

حتی اجازه گرفتن یک مجلس ختم معمولی و گذاشتن حجله و نوار قرآن به خانواده اش ندادند.

شنبه، ۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹

برژینسکی: این شروع یک پایان است

کیهان لندن: زیبایی‌گنو برژینسکی، مشاور امنیتی کاخ سفید در دوران سه رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه‌ای با فرید زکریا تحلیلگر سرشناس CNN اظهار عقیده کرد که وقایع جاری در ایران، «آغاز یک پایان» است.

فرید زکریا که با برژینسکی و تنی چند از تحلیلگران ایرانی و خارجی مصاحبه می‌کرد در وسط برنامه اعلام داشت «هم الآن به من خبر رسید که دوست خبرنگارم مازیار بهاری را در ایران بازداشت کرده‌اند.» و افزود: به احتمال زیاد انقلابی که در شرف وقوع است پایان حکومت مذهبی را در ایران رقم خواهد زد. خامنه‌ای قبلاً انتخابات را مهم، آزاد، دموکرات و باعث افتخار حکومت اسلامی نامیده بود اما چند روز بعد تهدید کرد که معترضین را به شدیدترین وجه سرکوب خواهد کرد. وقایع جاری در ایران نشان می‌دهد که مردم ایران برای خارج شدن از سلطه ارتجاع و پیوستن به جهان مدرن دارند جان خود را فدا می‌کنند.

برژینسکی در پاسخ فرید زکریا که نظر او را در مورد حوادث ایران جويا شد، اظهار داشت: این شروع یک پایان است و باید دقت داشته باشیم که با این رویداد چگونه برخورد کنیم. در شرایط کنونی نقش قدرت‌های خارجی بسیار حساس است. در کشورهای اروپای شرقی، وقتی جنبش دموکراسی‌خواهی آغاز شد مردم با اشغالگران خارجی روبرو بودند اما در ایران، مبارزه مردم با اشغالگران داخلی و حکومت مذهبی است.

پنجشنبه، ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲ ژوئیه ۲۰۰۹

دیپلمات ژاپنی جانشین البرادعی شد

به گزارش خبرگزاری فرانسه از وین، یک دیپلمات ژاپنی امروز به عنوان مدیرکل جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتخاب شد. وی «یوکیا امانو» نام دارد و ۶۲ ساله است.

دیپلمات ژاپنی که نماینده کشورش در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، امروز در نشست فوق‌العاده شورای حکام این آژانس با کسب ۲۳ رای موافق به عنوان جانشین محمد البرادعی انتخاب شد. ۱۱ نماینده به وی رای مخالف و یک نماینده نیز رای ممتنع دادند. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۳۵ عضو دارد.

اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر که بخش کوچکی از دستگیریهای گسترده و ادامه دار که گفته می‌شود در سراسر ایران به هزاران نفر می‌رسد به قرار زیر می‌باشد:

۱- اکبر آقایی ۲۷ ساله شنبه ۳۰ خرداد در خیابان آزادی دستگیر و به اوین منتقل شده

۲- امید خاتمی ۲۶ ساله دوشنبه ۲ تیر در میدان ونک دستگیر و به اوین منتقل شده

۳- علی عقیلی ۱۸ ساله چهارشنبه ۳ تیر در میدان بهارستان دستگیر و به اوین منتقل شده

۴- مسعود عسگری ۳۰ ساله چهارشنبه ۴ تیر در میدان بهارستان دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص

تعداد زیادی از جوانان که در تظاهراتهای خیابانی دستگیر شده اند به زندان گهریزک که اردوگاه مرگ نامیده می‌شود انتقال داده شدند. جوانانی که در این اردوگاه برده می‌شوند در معرض خطر جدی مرگ قرار دارند. این اردوگاه که محل شکنجه وحشیانه و غیر انسانی جسمی و روحی و تحقیرهای ضدبشری جوانان دستگیر شده می‌باشد. شکنجه‌ها در آنجا مرگ بار است و گزارشات زندانیانی که مدتی در این اردوگاه بسر بردند و به زندانهای دیگر منتقل شده اند شوک آور است. زندانیان فوق می‌گویند آخر هر هفته رادان شخصا با تعداد زیادی از پاسداران به گهریزک می‌آیند و زندانیان بی دفاع را تحت شکنجه قرار می‌دهند.

از طرفی دیگر اظهارات مقامات رژیم در روزهای اخیر حاکی از زمینه سازی برای اعدام جوانان دستگیر شده است و همچنین قرار دادن سعید مرتضوی که متهم به قتل زهرا کاظمی برای تحقیق از دستگیر شدگان نگرانیها را افزایش داده است فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، دستگیریهای گسترده و لاینقطع مردم در جریان اعتراضات خیابانی و یورش به منازل و دستگیری فعالین و انتقال آنها به نقاط نامعلوم را محکوم می‌کند و از دبیر کل سازمان ملل خواستار ارسال فوری یک هیئت تحقیق برای بررسی وضعیت دستگیر شدگان اخیر است.

۷ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین‌الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

مسئله افغانستان، همکاری های لجستیک در خصوص افغانستان، دزدان دریائی، مقابله با تروریسم و مقابله با تکثیر تسلیحاتی نیز از دیگر موضوعات راهبردی است که دو طرف درباره آنها بحث خواهند کرد.

مولن خاطر نشان ساخت: « مطمئن هستیم این بار بحث و گفتگوها متفاوت از دوره های دیگر خواهد بود. »

دوشنبه، ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

بایدن: تل آویو در واکنش به رژیم تهران مستقل است

ایلنا: معاون رئیس جمهوری آمریکا گفت که تل آویو خود می تواند تعیین کند که نفعش در چه چیزی است و در مورد جمهوری اسلامی چه تصمیمی باید بگیرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، « جو بایدن»، معاون « باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ای بی سی گفت: « تل آویو حق دارد درباره هرگونه تهدیدی که از جانب جمهوری اسلامی احساس کند، بدون توافق با آمریکا و به شکل مستقل واکنش نشان دهد. »

بایدن افزود که ایالات متحده نمی تواند به کشور دیگری دیکته کند که چه بکند و چه نکند. وی گفت آمریکا نمی تواند مانع از این شود که اسرائیل مسیر دیگری در برابر جمهوری اسلامی انتخاب کند.

دوشنبه، ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

کشته شدن جوان دیگری در اثر ضرب و شتم و شکنجه

روزنامه جمهوری اسلامی: در پی درج خبری با عنوان « مرگ مشکوک یک جوان در بازداشتگاه شاهرود » در صفحه ۲ روزنامه « جمهوری اسلامی » مورخ شنبه ۹ خرداد ماه معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان سمنان مبادرت به انتشار جوابیه ای کرده است که متن آن بدین شرح است:

« با احترام در پاسخ به مطلب چاپ شده در صفحه ۲ مورخ ۹ ۳ ۸۸ آن روزنامه با عنوان «مرگ مشکوک یک جوان در بازداشتگاه شاهرود » موضوع جهت بررسی به فرماندهی انتظامی شهرستان شاهرود ارجاع شد و آن فرماندهی پس از بررسی های لازم اعلام نموده است: « با توجه به شواهد و قرائن موجود علت مرگ همانطور که اعلام شده بود خودکشی از طریق حلق آویز

به گفته برخی دیپلماتها، کشورهای غربی از نامزدی نماینده ژاپن حمایت کردند. نماینده کشور آفریقای جنوبی رقیب اصلی دیپلمات ژاپنی بود که نتوانست حمایت کشورهای مهم عضو شورای حکام را بدست آورد.

رژیم تهران پیش تر به دلیل نزدیکی ژاپن به کشورهای غربی از انتخاب نماینده این کشور به عنوان مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی ابراز نگرانی کرده بود.

گفته می شود موضع مدیرکل جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی در قبال رژیم تهران به موضع آمریکا نزدیک است.

شنبه، ۱۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ ژوئیه ۲۰۰۹

۲۰ نفر امروز در زندان رجایی شهر اعدام شدند

به گزارش خبرگزاری فرانسه از تهران، ۲۰ نفر امروز در زندان رجایی شهر حلق آویز شدند. اتهام این افراد قاچاق مواد مخدر اعلام شده است.

طی روزهای گذشته نیز شش نفر در زندان اوین تهران و شش تن دیگر در شهر قم اعدام شده بودند. این اعدام ها در بحبوحه اعتراضات گسترده مردم، به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه صورت می گیرد.

دوشنبه، ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

گفتگوهای اوباما با مقامات روسیه در باره بحران ایران

مسکو، ۱۵ مرداد، خبرگزاری «ریا نووستی»/ رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا به شبکه سی ان ان اطلاع داد: رئیس جمهور آمریکا درباره مسائل مختلف همچون ایران با همتای روسیه خود گفتگو خواهد کرد.

به گزارش «ریا نووستی» از تلویزیون سی ان ان « مایک مولن » رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا باراک اوباما را در سفر به مسکو همراهی خواهد کرد. در این سفر دریا سالار یک توافقنامه جدید همکاری های نظامی با ژنرال « نیکلای ماکاروف » رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه امضاء خواهد کرد. مولن در مصاحبه با سی ان ان گفت: گفتگو درباره توسعه روابط نظامی از جمله موضوعات محور مذاکرات دو طرف خواهد بود. وی افزود: قطعاً درباره مسائلی که منافع دو طرف در آنهاست مانند مسئله ایران صحبت خواهد شد.

آگاهی اصفهان، حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، زندان اصفهان و زندان اوین و زندان گوهردشت کرج بسر برد.

آقای خیرالهی روز سه شنبه ۹ تیرماه از بند ۴ زندان گوهردشت کرج به سلولهای انفرادی جهت اجرای حکم اعدام انتقال داده شد و روز چهارشنبه همراه با ۵ زندانی دیگر به دار آویخته شد.

بنابه گفته شاهدان عینی و خانواده اش هنگامی که او را به سوی طناب دار می بردند دائم شعار مرگ بر خامنه ای سر میداد. او با روحیه ای بسیار قوی بالای طناب دار رفت.

جسد وی به خانواده اش تحویل داده شد و در قطعه ۲۵۶ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

لازم به یادآوری است و بنابه گفته خانواده اش که او با ارگانهای اطلاعاتی رژیم همکاری می کرد ولی وقتی که به جنایتهای آنها پی برد از همکاری با آنها سر باز زد و اقدام به افشای جنایتهای آنها پرداخت که در سال ۱۳۸۲ دستگیر و در زندان مختلف بسر برد.

گزارشات تأیید نشده ای وجود دارد که برای ایجاد رعب و وحشت رژیم قصد دارد در روزهای آینده تعداد زیادی را اعدام کند.

علی خامنه ای ولی فقیه رژیم پس از قیام اخیر مردم ایران برای ایجاد فضای رعب و وحشت به شاهرودی رئیس قوه قضائیه دستور داده است که موجی از اعدامها را در ایران پیش ببرد که ما در روزهای اخیر شاهد تعدادی از آنها بودیم.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به موج اعدامهای در پیش و بخصوص اعدام جوانان دستگیر شده اخیر هشدار جدی می دهد. برای پیشگیری از اعدامهای گسترده در پیش رو از مراجع بین المللی و دبیر کل سازمان ملل خواستار ارجاع پرونده این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل است.

۱۵ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

پنجشنبه، ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۹ ژوئیه ۲۰۰۹

خبرگزاری فرانسه: تظاهرات و درگیری در تهران

خبرگزاری فرانسه دقایقی پیش در گزارشی از تهران نوشت هم اکنون تظاهراتی در اطراف دانشگاه تهران بمناسبت روز ۱۸ تیر در جریان است و نیروی انتظامی برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از گاز آتش استفاده کرده است.

کردن می باشد و هرگونه ضرب و شتم از سوی مأموران کلانتری قویاً تکذیب می شود. «

البته یادآوری این مطلب ضروری است که بنابر اظهارات مسئولان انتظامی شهرستان و شاهدان محلی متوفی قبل از دلالت به کلانتری در صحنه اول درگیری در خیابان شهید صدوقی از سوی افرادی مورد ضرب و شتم قرار گرفته چنانچه آثار درگیری در ظاهر وی مانند پارگی لباس مشهود بوده است.

دوشنبه، ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

اخطار نخست وزیر انگلستان به رژیم تهران

به گزارش خبرگزاری فرانسه، گوردون براون، نخست وزیر انگلستان امروز به رژیم تهران در باره بازداشت و اخراج کارمندان سفارت انگلستان در ایران اخطار داد و گفت کشورهای اروپایی آماده اند در پاسخ به این اقدامات، تدابیری را علیه رژیم تهران اتخاذ کنند.

نخست وزیر انگلستان که برای گفتگو با رئیس جمهور فرانسه در این کشور بسر می برد، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت رهبران رژیم تهران باید بدانند که اگر این وضعیت (بازداشت و اذیت و آزار کارمندان) ادامه یابد و مجبور به اقداماتی شویم، بدون شک همه کشورهای اروپایی از آن حمایت خواهند کرد.

نیکلاس سرکوزی، رئیس جمهور فرانسه نیز که در این کنفرانس مشترک مطبوعاتی حضور داشت، با حمایت از دولت انگلستان گفت، پاریس در این زمینه از هرگونه اقدام علیه رژیم تهران حمایت خواهد کرد.

دوشنبه، ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

شعار مرگ بر خامنه ای جلا تا پای چوبه دار

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران ناصر خیرالهی از اعدام شدگان روزهای اخیر است بنابه گزارشات رسیده از زندان اوین، زندانی ناصر خیرالهی روز چهارشنبه در زندان اوین اعدام شد. ناصر خیرالهی ۴۹ ساله و از زندانیانی بود که در سال ۱۳۸۲ دستگیر شد و تا روز اعدامش در زندانهای مختلف جمله

بر می گردیم با شعار: نترسین! نترسین! ما همه با هم هستیم! خبری از تیراندازی در این قسمت نیست. از بقیه جاها هم هنوز خبری در این مورد نرسیده. چقدر دختر! چقدر مادر! در صف اول. خشمگین و شاداب و الهام بخش! دوباره به سمت ما هجوم می برند. اینبار لباس شخصی ها را هم آورده اند ولی تعدادشان نسبت به روزهای قبل کمتر است و مشخص است که تحت تاثیر افشاگری های این سه هفته در مورد جنایت های بسیجی هاست. به بعضی از اینها لباس فرم سپاه پوشانده اند که منظمتر به نظر بیایند. حالا با تعداد زیاد و با موتور به جمعیت حمله می برند. چند صد نفری وارد بازارچه جنب پارک لاله می شوند که راه در رو ندارد و آنجا گیر می افتند. همراه با چند نفر از روی نرده ها و سیم خاردار می پریم و وارد محوطه پارک می شویم. مقصد خیابان امیرآباد است. دارند از نبش فاطمی خیابان را می بندند که جمعیت امیرآباد به جمعیت اطراف پارک نپیوندند. امیرآباد غلغله است. نبش کوچه ای که ندا در آنجا جان باخت، جمعیت ایستاده اند و شعار مرگ بر دیکتاتور می دهند. پیرمردی که می گوید ۸۰ سال دارد با خوشحالی می گوید دیگر کسی نمی ترسد. همه آمده اند. اینها رفتنی اند. بین اینهمه جمعیت ولی بر عکس سال ۵۷ یک عمامه به سر هم در میانمان نیست! انتقام خون ندا را این مردم می گیرند! راست می گوید.

مردم وضعیت را خوب درک کرده اند. ضعف و شکنندگی رژیم را دریافته اند. دیگر هیچکس نمی ترسد. پیر و جوان شعار می دهند. محکمتر و مصمتمتر از سه هفته پیش. خودرویی که در آن خانواده ای نشسته است و بوق ممتد می زند به آهستگی به سمت شمال خیابان امیرآباد در حرکت است. پسر خانواده سرش را بیرون آورده و به مردم می گوید: باز هم می خواهید مسالمت آمیز مبارزه کنید! نمی بینید که اینها اسلحه دارند! خواهرش هم با شعار مرگ بر دیکتاتور همراهیش می کند!! تنها عکس العمل من تکرار شعار با آنان و بالا بردن مشت است.

خود را سریعاً به اینترنت می رسانم و این گزارش را می نویسم. امشب خیلی داغ خواهد بود. شعارها بر بام ها غوغا خواهد کرد. زخمی ها و دستگیری ها هم کم نیست. هنوز هوا تاریک نشده، ایست های بازرسی را در گوشه و کنار گسترده اند با بسیجی های یونیفرم پوش. به خیال خود می خواهند ارباب کنند و به مردم حالی کنند که وضع فوق العاده است! چه حماقتی!! این هزاران هزار مردمند که امروز با حضور قدرتمند خود در خیابان ها به رژیم حالی کردند که هوا پس است! از بقیه شهرها هنوز خبری ندارم. ولی بدون شک ۱۸ تیر امسال در

این خبرگزاری نوشت تظاهرکنندگان از چند نقطه تهران به اطراف دانشگاه آمده و شعار مرگ بر دیکتاتور می دهند. این در حالیست که نیروهای انتظامی و لباس شخصی بطور گسترده در مراکز مهم تهران مستقر شده اند.

پیش تر اعلامیه هایی در برخی مناطق تهران برای تظاهرات روز ۱۸ تیر توزیع شده بود. در این اعلامیه ها از مردم خواسته شده در راهپیمایی روز پنج شنبه بمنظور یادبود سالگرد تظاهرات دانشجویی سال ۱۹۹۹ شرکت کنند.

پنجشنبه، ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۹ ژوئیه ۲۰۰۹

دیگر کسی نمی ترسد، همه آمده بودند، اینها رفتنی اند

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر - ۱۸ تیر ۱۳۸۸
چه صلابتی دارد این ۱۸ تیر. همه آمده اند. جوان و پیر و میانسال. نه فقط در یک خیابان؛ که اینبار آموخته اند از روزهای پیش. در هفت هشت نقطه مرکزی تهران تظاهرات های توده ای بر پاست. سکوتی در کار نیست. همه شعار می دهند. بعضی ها الله اکبر می گویند اما به سرعت مرگ بر دیکتاتور! دولت کودتا استعفا استعفا! جانفشینش می شود. مرکز درگیری ها چهارراه ولی عصر - انقلاب است: پارک دانشجو. جمعیت متمرکز و فشرده است و گاردهای ضد شورش با گازاشک آور و باتوم یورش می برند. چهره ها خونین است. جمعیت مرتب از پیاده رو به خیابان و خیابان به پیاده رو جا به جا می شود. ماشین ها مثل دو هفته پیش همه بوق می زنند. بوق های ممتد. باز هم مشت ها در آسمان است و دو انگشت به نشانه پیروزی و همبستگی. موج مردم از همه خیابان های اصلی به سمت میدان انقلاب و دانشگاه سرازیر است. اینبار شعار طولانی جدیدی را به سبک دوران انقلاب ۵۷ همه می خوانند:

محمود خائن آواره گردی/ خاک وطن را ویرانه کردی/
کشتی جوانان وطن آه و واویلا ... مرگ بر تو! مرگ بر تو...
گاز اشک آور مثل نقل و نبات بر جمعیت می بارد ولی باور نکردنی است انگار همه عادت کرده اند. حال هیچکس به هم نمی خورد. فقط فوراً آتشی روشن می کنند. بعضی ها دود سیگار را به چشم کنار دستی می فرستند. در تقاطع بلوار کشاورز و خیابان کارگر هستیم. از پایین گارد ویژه به سمت ما هجوم می برد. شعار گویان به سمت بالا می دویم. از طرف خیابان فاطمی جمعیت فشرده ای به ما ملحق می شوند و دوباره به سمت پایین

همچنین حمله های اخیر به خوابگاه های دانشجویی در دانشگاههای تهران، شیراز، صنعتی اصفهان و ... را محکوم کردند.

آدینه، ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۹

عکسی از نیروهای شکست خورده رژیم (۱۸ تیر تهران)

عکس از سایت اینترنتی روزنامه نیویورک تایمز



شنبه، ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۹

اتحادیه اروپا گاز ایران را تحریم کرد

سایت پاریسینه در تهران: بر اساس تصمیم سیاسی اتحادیه اروپا و با وجود دلایل اقتصادی متعدد، این اتحادیه گاز ایران را تحریم کرد.

توافق نامه «نوباکو» فردا با حضور سران کشورهای اتحادیه اروپایی، کشورهای آسیای میانه و با حضور مهمانانی چون عراق، سوریه، گرجستان و مصر رسماً امضا خواهد شد. با وجود اینکه خط لوله فعلی ایران به ترکیه برای تامین گاز اروپا کاملاً آماده و به صرفه اقتصادی است، اتحادیه اروپا تصمیم به تحریم گاز ایران گرفته است.

دوشنبه، ۲۲ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹

وبلاگ: انتقام خون سهراب اعرابی را خواهیم گرفت

وبلاگ سهرابستان

سهراب اعرابی ۱۹ ساله زیر وحشیانه ترین شکنجه ها شهید شد. ضربات هولناک کابل جاننش را ذره ذره از بدن گرفت.

تهران، یک واقعه به شدت تاثیرگذار بر روند تحولات جاری خواهد بود. بدون شک.

آدینه، ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۹

تظاهرات ۱۸ تیر؛ گزارشی از اصفهان

یکی از خوانندگان: دیروز حوالی ساعت ۸ بعد از ظهر درگیری های شدیدی حوالی دروازه شیراز روی داد نیروهای پلیس که در ورزشگاه انقلاب کمین کرده بودند به ناگاه به تظاهر کنندگان حمله کردند مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و چند جوان را بازداشت کردند درگیریهای پراکنده ای نیز بین ۳۳ پل و پل فردوسی اتفاق افتاد. جمعیت بسیاری هم حتی تا ساعت ۱۲ شب در چهارباغ بصورت آرام راه پیمایی کردند. خستگی فرسودگی و استیصال کاملاً در چهره نیروهای انتظامی و لباس شخصی دیده می شد.

آدینه، ۱۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۹

دهمین سالگرد ۱۸ تیر در دانشگاه صنعتی شیراز



خبرنامه امیرکبیر: دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز در بامداد ۱۸ تیر یاد شهدای ۱۸ تیر ۷۸ را گرمی داشتند. دانشجویان شیراز در ساعات بامدادی و به یاد دانشجویانی که شبانه مورد حمله نیروهای انصار و لباس شخصی در سال ۷۸ قرار گرفتند، در محوطه خوابگاه حضور پیدا کرده و شمع هایی روشن کردند.

دانشجویان در حالیکه سرود یار دبستانی و برخی سرودهای دیگر را با یکدیگر می خواندند، هتک حرمت به ساحت مقدس دانشگاه و دانشجو را در حوادث ۱۸ تیرماه سال ۷۸ و

برای شلاقهای تازی اشغالگر آماده کرده‌اند، ما بشماریم، ما ایرانی‌یم، تو را به همانجایی که جدت یزید دفن است خواهیم فرستاد.

و تو ای ایرانی، هر جا که هستی لحظه‌ای درنگ کن، به روح بلند سهراب درود بفرست، مشتهایت را گره کن، دندانهایت را بهم بفشار و آماده کردن ریشه اشغالگران و اهریمنان از خاک پاک ایران باش، اشگه‌ایت را پاک نکن، گریه ما از خشم است. باید همه در ایران و در هر جای دنیا دست بدست هم دهیم و با تمام توان سوگ سهراب را عالمگیر کنیم، سهراب در زندان دژخیمان و زیر شکنجه جان باخته است، برای نجات دیگر سهرابه‌ای در بند و برای اینکه فردا جنازه سهراب دیگری را تحویل مادرش ندهند باید آنقدر این جنایت برای جنایتکاران گران تمام شود تا از تکرار آن پشیمان شوند. به گوش هر کس، ایرانی و غیر ایرانی، به هر مرجع و سازمانی و به هر ارگان و جمعیتی سوگ سیاوش را برسانید.

دوشنبه، ۲۲ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹

زاهدان؛ صبح فردا ۱۴ نفر در ملاعام اعدام می شوند

خبرگزاری حکومتی فارس: فردا صبح ساعت ۶/۳۰ دقیقه، حکم اعدام اعضای گروه ریگی در ملاعام در پارک لاله زاهدان اجرا می‌شود. روابط عمومی دادگستری استان سیستان و بلوچستان طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: حکم عبدالحمید ریگی برادر عبدالملک و ۱۳ تن از عوامل اصلی این گروه که به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده‌اند، رأس ساعت ۶/۳۰ دقیقه بامداد فردا ۲۳ تیر ماه در پارک لاله زاهدان و در ملاعام به اجرا گذاشته خواهد شد. در این اطلاعیه از همه مردم شهیدپرور دعوت شده تا در این مراسم حضور داشته باشند.

فرزندان ایرانزمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.

Organisation PARS

B.P 6593

75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

iran-info@aliceadsl.fr

مادرش همچو مرغی پرکنده بیرون دیوارهای قصر ضحاک، اوین، بال بال می زد و دلبندهش را می‌جوئید. دیوارهای سرد و نفرت‌انگیز قصر ضحاک مانع از این نمی‌شد که فریادهای درد و رنج سهراب زیر شکنجه دژخیمان خامنه‌ای را مادر نشنود. صدائی همواره در گوش مادر لرزه بر اندامش می‌انداخت ولی مهر مادرانه مانع از این می‌شد که او ناله‌های بلند عزیزش را آنگونه که هست بشنود، او بجای ناله‌ها، نجوای پسرش را می‌شنید که مادر را صدا می‌کرد، او تعمداً می‌خواست تا بجای ضجه‌های فرزندش صدای مادر مادر او را بشنود، مهر مادری به او اجازه نمی‌داد که رنج فرزندش را باور کند.

مادر سهراب جلوی قتلگاه اوین از هر زندانی تازه آزاد شده‌ای سراغ فرزندش را می‌گرفت و از همه آنها می‌پرسید آیا اذیت هم می‌کنند؟ عطفوت مادری حتی در کلام نیز مانع از این می‌شد که بپرسد آیا می‌زنند؟ آیا شکنجه می‌کنند؟

امروز اما همه ایران، همه دنیا، همه آنهایی که هنوز انسان هستند صدای فریادهای دردآلود سهراب را می‌شنوند. امروز دختران و زنان شیردل و پسران و مردان شجاع ایرانی در سوگ سهراب اشگ می‌ریزند و هم‌نوا با مادر سهراب مویه می‌خوانند.



و تو ای همسر و فرزند شکنجه گر اوین، دریغ از تف که بصورت این بیشرم بیاندازید، فقط به او بگوئید تکه‌های گوشت و پوستی را که بهنگام کوبیدن کابل به کف پاهای سهراب به صورتش چسبیده را بما پس بدهد، ذره ذره وجود سهراب برای ما مقدس است. به او بگوئید با اینکه دهها بار دستانش را شسته، هنوز دستانش خونینند، خون جوانان ایرانی هرگز محو نمی‌شود، به او بگوئید اینقدر نلرزد، او که خدا را سالها است در وجودش دفن کرده، دیگر از چه می‌ترسد؟

و تو ای خامنه‌ای ضحاک، امروز اجدادت، شمر و یزید بتو افتخار می‌کنند. هفتاد میلیون سهراب ایرانی تبار بدنهای خود را